

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Influential Contexts on the Determination of the Death Penalty in Drug-Related Crimes

1. Nasim Khodakhah: PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
2. Mohammad Farajiha*: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: mohammadfarajiha@gmail.com (Corresponding Author)
3. Abbas Sheikholeslami: Associate Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

ABSTRACT

Iran, sharing borders with some of the world's largest producers of narcotics, lies on a major transit route for illicit drugs. Multiple factors have historically led certain offenders in Iran to engage in crimes involving narcotics. By examining the historical trajectory of legislation regarding the punishment of perpetrators of such crimes, it becomes evident that the Iranian legislator has maintained the view that the harsher the punishment, the more likely it is to prevent recidivism. On this basis, capital punishment has been among the penalties stipulated in criminal laws related to this domain, enacted with the aim of enhancing national security under the Anti-Narcotics Law. However, since 2017, following the adoption of the amendment adding Article 45 to the Anti-Narcotics Law, there has been no significant decrease in the issuance or enforcement of death sentences. Accordingly, the present article seeks to explore why the Iranian criminal legislative system determines capital punishment for certain convicts of drug-related crimes and the factors influencing this legislative choice. In this study, in addition to library-based sources, field data have been utilized, analyzed through a descriptive–analytical method. The findings indicate that the Iranian legislative and judicial systems continue to hold the belief that the death penalty is among the most effective deterrents against the spread of drug-related crimes.

Keywords: *narcotics, national security, punishment, death penalty, deterrence.*

How to cite: Khodakhah, N., Farajiha, M., & Sheikholeslami, A. (2026). Influential Contexts on the Determination of the Death Penalty in Drug-Related Crimes. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 8(2), 1-23.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 December 2024
Revise Date: 09 March 2025
Accept Date: 16 March 2025
Publish Date: 22 June 2026



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بسترهای تأثیر گذار بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر

۱. نسیم خداخواه: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
۲. محمد فرجیها*: دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. پست الکترونیک: mohammadfarajih@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. عباس شیخ الاسلامی: دانشیار، گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

ایران با داشتن همسایگانی که بزرگترین تولیدکنندگان مواد مخدر جهان هستند، در مسیر ترانزیت مواد مخدر قرار داشته و عوامل متعددی موجب شده که از دیرباز، بخشی از بزهکاران در ایران به ارتکاب جرایم با موضوع مواد مخدر روی بیاورند. با بررسی سیر تاریخی قانون‌گذاری در حیطه مجازات مرتکبان این قسم از جرایم، می‌توان نظر قانون‌گذار ایرانی را در اینکه هرچه مجازات شدیدتر باشد، پیشگیری از ارتکاب مجدد، محتمل‌تر خواهد شد، مشاهده نمود. بر این اساس مجازات اعدام یکی از مجازات‌های پیش‌بینی شده در قوانین کیفری مربوط به این حوزه است که با هدف تأمین بیشتر امنیت ملی در قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر شد. لکن از سال ۱۳۹۶ و پس از تصویب الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر، کاهش معنی‌داری در صدور و اجرای مجازات اعدام رخ نداده است. بر همین اساس در مقاله حاضر، نویسنده به دنبال یافتن پاسخ چرایی تعیین اعدام توسط نظام قانون‌گذاری کیفری ایران برای مجازات برخی محکومان جرایم مواد مخدر و عوامل مؤثر بر این انتخاب قانون‌گذار بوده است. در پژوهش حاضر، علاوه بر استفاده از منابع کتابخانه‌ای، از داده‌های میدانی نیز استفاده شده که با روش توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج، نشان‌دهنده این امر است که همچنان نظام قانون‌گذاری و قضایی ایران بر این باور است که مجازات اعدام از مؤثرترین روش‌های بازدارنده گسترش ارتکاب جرایم مواد مخدر است.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، امنیت ملی، مجازات، اعدام، بازدارندگی.

نحوه استناددهی: خداخواه، نسیم، فرجیها، محمد، و شیخ‌الاسلامی، عباس. (۱۴۰۵). بسترهای تأثیرگذار بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۸(۲)، ۱-۲۳.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۸ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۹ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۵



ویژگی‌های جغرافیایی ایران به دلیل مجاورت با بزرگترین تولیدکنندگان مواد مخدر در دنیا (افغانستان و پاکستان) و گذر مسیر ترانزیتی از کشورمان به سایر کشورها از جمله قاره اروپا، موجب افزایش هزینه مبارزه با مواد مخدر^۱ و تأثیرپذیری امنیت ملی گردیده است. این واقعیت در کنار گستردگی عواید حاصل از جرائم مواد مخدر^۲ و دیگر عوامل اجتماعی و فرهنگی، موجبات اتخاذ شدت عمل کیفری و تشدید مجازات بزهکاران مواد مخدر در ایران را فراهم آورده است و به فراخور زمان از کیفر اعدام برای دستیابی به اهداف بازدارندگی و ارعاب به ویژه در جرایم حیطه مواد مخدر بهره جسته است. یکی از مهمترین مصادیق تشدید مجازات، بهره‌گیری قانونگذار کیفری ایران از مجازات اعدام در حیطه مورد بحث با سابقه تقنینی بیش از ۶۴ سال (از سال ۱۳۳۸ تاکنون) است (جدول شماره یک)؛ این در حالی است که اعمال مجازات اعدام در مورد جرائم مواد مخدر با انتقاداتی جدی مواجه است^۳.

البته این رویکرد قانونگذار کیفری، به تدریج و با فاصله گرفتن از فضای انقلاب و جنگ و گذر نسل‌ها ملایم‌تر شد (Sanei et al., 2022) و مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر نه تنها از سوی نخبگان بلکه از سوی کارگزاران کیفری و همچنین جامعه مورد تردید قرار گرفت (Javan Jafari & Esfandiari Bahraseman, 2017). ماده واحده قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۹۶/۰۷/۱۲)^۴ را می‌توان محصول این فضای تازه به وجود آمده، تلقی نمود. نظر به عدم کاهش معنی‌دار صدور و اجرای مجازات اعدام پس از تصویب مقرر اصلاحی مورد اشاره و حتی در برخی موارد، گسترش مصادیق آن (Saki & Koonani, 2019; Sanei et al., 2022)، ارزیابی بسترهای تأثیرگذار بر مجازات اعدام در نظام قانونگذاری کیفری ایران با تمرکز بر جرائم مواد مخدر، امری ضروری به نظر می‌رسد. تمرکز اصلی پژوهش بر شناسایی عوامل و بسترهای تأثیرگذار در مجازات اعدام در جرایم حوزه مواد مخدر می‌باشد که در چهار قسمت مورد بررسی قرار گرفته است. بر این مبنا در پژوهش پیش‌روی علاوه بر مدد جستن از داده‌های کتابخانه‌ای، با بهره‌گیری از داده‌های میدانی (مشمول بر مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با جمعی از قضات دادسرا، دادگاه و شعب اجرای احکام انقلاب و وکلا و متهمین جرائم مواد مخدر در

^۱ در کشور ایران طی ۳۰ سال گذشته، ۴۱ هزار عملیات در حوزه مقابله با مواد مخدر انجام شده و ۱۲ هزار تن انواع مواد مخدر کشف و ضبط شده است. همچنین بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر از مرزها مسدود شده و در مجموع، حدود ۱۱ درصد از تولید ناخالص ملی به طور مستقیم و غیرمستقیم برای مقابله و برخورد با مواد مخدر هزینه شده است (Hossein Pouri et al., 2023).

^۲ به دلیل گستردگی عواید حاصل از جرائم مواد مخدر، برخی صاحب‌نظران جرائم مزبور را از مصادیق جرائم اقتصادی تلقی می‌کنند (Shamlou, 2007)؛ در مقابل، برخی دیگر بر این اعتقادند که جرائم مواد مخدر، به خودی خود، جرم اقتصادی محسوب نمی‌شوند (Mahdavi et al., 2017).

^۳ عفو بین‌الملل چنین استدلال می‌کند که اعمال مجازات اعدام در چنین جرائمی، تضعیف‌کننده استانداردهای بین‌المللی موجود برای دادگاه عادلانه تلقی می‌شود. از دید اینان، مجازات اعدام به صورت ذاتی، امکان تصحیح اشتباهات سیستم قضایی در موارد محکومیت اشتباهی بی‌گناهان و اعاده وضع به حال سابق را از بین خواهد برد (Leechaianan & Longmire, 2013). منتقدین همچنین به اثرات منفی گسترده اعدام این مجرمان بر فرزندان ایشان اشاره مینمایند؛ از دید اینان، خانواده و فرزندان افراد اعدامی را باید قربانیان پنهان مجازات اعدام محسوب نمود. این افراد با وجود آنکه خود مرتکب جرمی نشده‌اند، به صورت مستقیم تحت تأثیر مجازات در نظر گرفته شده برای والدین خود قرار گرفته و سلامت روانی، شرایط زندگی و روابط اجتماعی آن‌ها تا دهه‌ها پس از اعدام والدین، به شیوه‌ای مخرب تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Human Rights Council, 2013). از دیگر دلایل منتقدین مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، می‌توان به آمار بالای محکومیت‌های نادرست در این دسته از جرائم (Laqueur et al., 2014)، و همچنین امکان عادی شدن کیفر و انفعال بیشتر سیاست کیفری متعاقب افزایش آن (Melusky & Keith, 2017) اشاره نمود. با وجود انتقادات مزبور، در حال حاضر حدود ۳۰ کشور مجازات اعدام در قبال جرائم مواد مخدر را کماکان در زرادخانه کیفری خویش حفظ نموده‌اند (Pinto, 2015).

^۴ این ماده واحده به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۶۵ دیوان عالی کشور، مساعد به حال متهم تشخیص داده شده و در راستای مفاد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، عطف به ماسبق گردید.

حوزه قضایی شهرستان مشهد)، به تبیین و ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر گزینش مجازات اعدام در نظام قانونگذاری کیفری ایران با تمرکز بر مقرر اصلاحی مورد اشاره می‌پردازیم. در روند مطالعه پیش روی پرونده‌های مواد مخدر نیز مورد استفاده قرار گرفته است و داده‌های آن شامل پرونده‌های محکومین جرایم مواد مخدر در سال‌های اخیر می‌باشد که این داده‌ها عموماً یا پرونده‌های مربوط به خود نگارنده بوده و یا از طریق حضور در محاکم کیفری مشهد و مطالعه پرونده به دست آمده است. بدیهی است که داده‌ها و یافته‌های میدانی عمدتاً متعلق به بازه زمانی پس از تصویب ماده واحده اصلاحی سال ۱۳۹۶ خواهد بود. تأکید نگارندگان بر بهره‌گیری از داده‌های میدانی در تحلیل چرایی گزینش مجازات اعدام در نظام قانونگذاری کیفری ایران در حوزه جرائم مواد مخدر، عمدتاً با هدف پرهیز از انجام پژوهش صرف نظری و عینی نمودن هرچه بیشتر داده‌ها و یافته‌های پژوهش صورت می‌پذیرد.

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری و مطالعات میدانی در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

بحث

بدیهی است که پیش از ورود به مباحث اصلی، آشنایی مختصر با پیشینه و ادبیات نظری پژوهش، مفید فایده به نظر می‌رسد.

جدول ۱. سابقه تقنینی اعدام در جرائم مواد مخدر در نظام کیفری ایران

ردیف	عنوان قانون/ سال تصویب	نوع و کیفیت عمل مجرمانه مستوجب اعدام
۱	قانون مربوط به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی (۱۳۳۸)	اعدام بر مبنای نوع مواد در صورت تکرار جرم (ماده ۴)
۲	تصویب‌نامه قانونی راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی (۱۳۴۲)	اعدام بر مبنای نوع مواد (سازنده و واردکننده هروئین و مورفین حکم اعدام دارند).
۳	ماده واحده قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرائم مذکور (۱۳۴۸)	اعدام بر مبنای نوع مواد + احراز علم و عمد مرتکب (بند ه ماده واحده)
۴	لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین (۱۳۵۹)	اعدام بر مبنای تکرار جرم (مواد ۲، ۱۱ و ۱۳)، اعدام بر مبنای نوع و کمیت مواد + احراز علم و عمد مرتکب (مادتین ۶ و ۷)
۵	قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷)	اعدام بر مبنای تکرار جرم (مواد ۲، ۵ و ۹)، اعدام بر مبنای میزان مواد مکشوفه (بند ۴ ماده ۴، تبصره ماده ۴، ماده ۶ و بند ۶ ماده ۸)
۶	قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحات سال ۱۳۸۹)	اعدام بر مبنای میزان مواد، اعدام بر مبنای تکرار جرم
۷	ماده ۴۵ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر	اعدام بر مبنای میزان و وزن مواد در صورت وجود شرایط چهارگانه در قانون، اعدام بر مبنای افساد فی الارض

اولین قانون راجع به مواد مخدر متأثر از کنفرانس شانگهای در سال ۱۳۲۹ معروف به قانون «تحدید تریاک» به تصویب رسید و مهم‌ترین هدف از وضع این قانون اخذ مالیات و کسب درآمد برای دولت بود و هیچ نوع محدودیتی برای تولید تریاک در نظر گرفته نشده بود. اولین قانونی

که استعمال تریاک و الکل و سایر مواد مخدر را جرم به شمار می‌آورد، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بود که برای این جرائم مجازات حبس و جزای نقدی در نظر گرفته بود و بنابراین دوره اول سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر آغاز می‌شود که قوانین این دوره بیشتر جنبه ارشادی داشته است.

در سال ۱۳۳۸ قانون مربوط به منع کشت خشخاش و استعمال مواد افیونی مورد تصویب قرار گرفت که اولین بار مجازات اعدام برای مواد مخدر در سیستم قانونگذاری ایران تعیین گردیده بود که پس از آن در اصلاحیه مصوب ۱۳۴۲ مجازات سازنده و وارد کننده هروئین و مورفین اعدام تعیین شد و در تاریخ ۱۳۴۸/۰۳/۳۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مندرج در قانون منع کشت خشخاش در صورتی که شخص عالما و عامدا مجازات‌ها مذکور (وارد کردن، فروختن، ساختن و...) را مرتکب شود به اعدام محکوم می‌شود.

پس از انقلاب در مورخه ۱۳۵۹/۰۳/۱۹ ضمن اصلاح قوانین مصوب ۱۳۳۸ در خصوص جرایم مواد مخدر جرم‌انگاری کرده و مجازاتی همچون اعدام و حبس‌های طویل‌مدت در نظر گرفت (مطابق ردیف ۴ جدول). در نهایت در آبان سال ۱۳۶۷ قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسید. این قانون برای جرایم مواد مخدر علاوه بر حبس از مجازات اعدام هم بهره‌مند گشته است و این استنباط می‌گردد که مجازات تعیین شده بیشتر ماهیت حدی دارد. قانون مذکور در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ مورد اصلاح قرار گرفت.

در نهایت قانون‌گذار با تصویب ماده ۴۵ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۶ تصویب گردیده بود برای منطبق نمودن مجازات اعدام با مبانی فقهی با الحاق این مطلب که در صورت وجود یکی از شرایط چهارگانه به بزه مواد مخدر در حکم افساد فی الارض می‌باشد، مجازات اعدام اعمال می‌گردد، اقدام به اصلاح جزئی این قانون نمود. این قانون با تعیین کمیت بیشتر مواد مخدر جهت صدور احکام اعدام گام برداشته است، اما به زعم بسیاری از دست‌اندرکاران و محققان در این حوزه عملا موجب تشدید گردیده است.

سزاگرایی ناشی از امنیت‌گرایی

امنیت‌گرایی را می‌توان عبارت از برداشت یکجانبه و حاکمیتی از مفهوم امنیت و نادیده انگاشتن حقوق و آزادی‌های فردی به بهانه‌ی برقراری امنیت دانست (Tavajohi & Dehghani, 2013). تأمین امنیت همواره در سطح بالاترین نگرانی‌های دولت‌ها به حساب آمده و امروزه ظهور مقوله‌های امنیت‌مدار و تشکیل نگاه متفاوت به چرخه‌ی جنایی، موجب ایجاد گفتمان نوینی تحت عنوان امنیت‌گرایی شده است (Nadjafi Abrandabadi, 2012). یکی از مهمترین جلوه‌های تأثیر امنیت‌گرایی بر نظام قانونگذاری کیفری (به طور عام و جرائم حوزه مواد مخدر به طور خاص)، دشمن قلمداد کردن بزهکاران و باز تعریف جایگاه آن‌ها جهت انتخاب هرگونه ابزار پاسخ‌دهی به آنان است (Sadr Touhidkhaneh, 2013)؛ مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد، در نظام قانون‌گذاری انگلستان، با انتخاب «مارگارت هیلدا تاچر» به عنوان نخست‌وزیر، رویکرد متفاوتی در خصوص مجرمین مواد مخدر در قالب «واقع‌گرایی راست» اتخاذ گردید که تمایل آن عمدتاً بر رویکردهای محافظه‌کارانه کنترل جرم، حبس‌های طولانی‌مدت، ایجاد زندان‌های بیشتر و مجازات‌های سختگیرانه‌تر بود. در نظام قانونگذاری فرانسه، قانون مصوب ۳۱ دسامبر ۱۹۷۰ با رویکردی سخت‌گیرانه، مجازات قانونی مصرف و قاچاق مواد مخدر را شدت بخشید (Gholami, 2010). در نظام قانونگذاری ایران، همواره این نگاه امنیتی و سزاگرایی ناشی از آن وجود داشته است که تلقی مرتکبین جرایم مواد مخدر تحت شرایط

خاص (ماده ۹ اصلاحی ۱۳۸۹ و ماده ۴۵ اصلاحی ۱۳۹۶ قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر) به عنوان مفسد فی الأرض و پیش‌بینی مجازات اعدام در این راستا، از مهمترین جلوه‌های سزاگرایی ناشی از امنیت‌گرایی در حوزه مبارزه با جرائم مزبور است.^۱

متأثر از رویکرد امنیت‌گرایانه قانونگذار و سزاگرایی نشأت گرفته از آن، مشاهدات میدانی نگارندگان از رویه رسیدگی برخی محاکم انقلاب نیز نشان دهنده نفوذ اینگونه آموزه‌ها و رویکردهاست. به عنوان نمونه در یک پرونده کیفری مورد مطالعه توسط نگارنده که مشتمل بر عناوین اتهامی متعدد مرتبط با مواد مخدر بود، به دلیل اوضاع و احوال امنیتی حاکم بر روند رسیدگی، شعبه دادگاه انقلاب برای یکی از متهمین که صرفاً به عنوان راننده به جابجایی دیگر متهمین (اتباع بیگانه) مبادرت نموده و اطلاع دقیقی از نوع و میزان مواد مورد حمل نداشت، حکم اعدام صادر نمود و متعاقباً دیوان عالی کشور نیز این حکم اعدام را تأیید نمود. به عقیده یکی از قضات طی مصاحبه نگارنده با ایشان: «همین که جرم مواد مخدر در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته نشان از دیدگاه و رویکرد امنیتی قانونگذار در این جرایم است. حال اگر همین رسیدگی در دادگاه کیفری ۲ صورت می‌گرفت قطعاً نتیجه متفاوت بود».

آثار متعدد امنیتی بودن پرونده‌های حوزه جرایم مواد مخدر در سطوح قضایی و اجرایی نیز قابل رؤیت است. برای نمونه طی مصاحبه نگارنده با برخی از قضات مصاحبه‌شونده، اعتقاد بر این بود که: «به دلیل امنیتی بودن پرونده‌های مواد مخدر (به ویژه موارد مستوجب اعدام)، نظارت آشکار و پنهان بر قضات با تصور دریافت رشوه از طرف قاضی و به اصطلاح زد و بند با وی بسیار بیشتر از سایر محاکم است و به همین دلیل این نوع نگاه امنیتی در صورت عدم صدور حکم محکومیت متهم به اعدام تشدید گردیده و قضات حتی توسط همکاران خویش، مورد توجه و زیر ذره‌بین قرار می‌گیرند؛ به نظر این قاضی به همین دلایل تنها در جایی می‌توان از صدور حکم اعدام صرف‌نظر نمود که متهمین پرونده متعدد بوده یا مشارکت افراد متعدد از یک خانواده در میان باشد و بتوان از محکومیت متهمین زن، نوجوان یا سالخورده به اعدام، صرف نظر نمود. قاضی یکی از شعبات دادگاه انقلاب نیز با وجود اشاره ضمنی به نگاه سزاگرایانه ناشی از امنیت‌گرایی و مخالفت شخصی با حکم اعدام، سعی در اخفا نظر اصلی خود در مصاحبه داشته و اظهار داشته که در پاسخ به سوال نظر ایشان اینگونه اعلام گردد که معتقد است که: «من نمی‌توانم حکم اعدام صادر نکنم؛ چون اعدام در جرائم مواد مخدر (عمدتاً از باب مقوله افساد فی الارض) جنبه شرعی پیدا می‌کند و ما در این میان، تصمیم‌گیرنده نیستیم». فلذا ملاحظه‌کاری قضات در اعمال تسامح و تخفیف نسبت به متهمین جرائم مواد مخدر را می‌توان ناشی از این نگاه قانون‌گذار دانست.

در مصاحبه با یکی از قضات با سابقه دادگاه انقلاب که از قضات نمونه نیز شناخته شده‌اند؛ قاضی مصاحبه‌شونده در همان ابتدا عنوان داشت: «من بیست سال مشغول رسیدگی به پرونده‌های جرایم مواد مخدر هستم و قاضی نمونه کشوری شدم و آرای اعدامی زیادی صادر کرده‌ام و سجده شکر می‌گذارم چون شرع و قانون را اجرا کرده‌ام و از نظر بنده هر آنچه که نظام اسلامی و از سوی شورای نگهبان مورد تأیید قرار بگیرد باید اجرا شود و هیچ نگرانی از بابت صدور اعدام در این جرایم ندارم چرا که امنیت کشور مد نظر بوده است». لکن پس از سوال از ایشان که آیا این مجازات به نظر منصفانه می‌رسد و آیا نمی‌توان مجازات جایگزینی با قاطعیت مطرح نمود؟! با تردید بیان داشتند که امکان مجازات جایگزین هست. بنابراین اینگونه اعلام نظرها حکایت از جو امنیتی دادگاه‌های انقلاب ناشی از نحوه قانون‌گذاری در این حوزه دارد. از دیدگاه قاضی دیگر در دادگاه انقلاب: «سزاگرایی یا سزادهی در جرایم مواد مخدر که قانونگذار نیز نگاه امنیتی داشته برای قضات بسیار

^۱ از دیگر جلوه‌های امنیت‌گرایی در حوزه جرائم مزبور، می‌توان به اختصاص دادگاه‌های انقلاب جهت رسیدگی به آنها، یک مرحله‌ای بودن رسیدگی و از همه واضح‌تر نقش دادستان کل کشور جهت پذیرش یا رد تجدیدنظرخواهی و تنفیذ احکام اعدام اشاره کرد (Haddadzadeh et al., 2020).

مهم است. چرا که متهم فکر می‌کند قضات نمی‌توانند کاری کنند و این نگاهی که فرد راحت بخواهد از مجازات این جرایم خلاص شود و به راحتی پول به دست بیاورد، باید از بین برود. از نظر من شخص مستحق مجازات است و دفاعیات را معمولاً نمی‌پذیرم.» لازم به ذکر است، متأثر از این رویکرد امنیتی در پرونده‌های مواد مخدر به خصوص در مواردی که مجازات فرد اعدام است، می‌توان به عدم دسترسی متهم مواد مخدر یا وکیل وی به مفاد پرونده علی‌الخصوص در مرحله دادسرا و یا عدم امکان رونوشت از پرونده در تمام مراحل رسیدگی اشاره کرد (بر مبنای مشاهدات میدانی نگارندگان، در پرونده اتهامی با موضوع حمل ۳۰ کیلوگرم هروین، قاضی پرونده به صورت سلیقه‌ای، قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر می‌کند؛ در مرحله دادسرا نیز علی‌رغم انکار شدید دو متهم پرونده مبنی بر اینکه مواد مکشوفه از ید ایشان گرفته نشده است، صرفاً پس از صدور کیفرخواست، امکان مطالعه پرونده برای متهمین و وکلای آن‌ها میسر گردید). همچنین ملاحظه کاری وکلا در اعلام پرونده‌های مواد مخدر تحت وکالت خویش حتی با همکاری از دستاوردهای این رویکرد امنیتی باشد. برای نمونه یکی از وکلای مصاحبه شونده اظهار نمود که: «ما سعی می‌کنیم همکاری، تعداد یا کیفیت پرونده‌های مواد مخدر ما را متوجه نشوند و حتی گاهی کمتر مراجعه حضوری به دادگاه انقلاب می‌کنیم تا حساسیت‌ها بر روی ما زیاد نشود.» و به همین جهت علیرغم مراجعه نگارنده به چند نفر از همکاری جهت در اختیار قرار دادن پرونده‌های خود، اکثر وکلا متأثر از دیدگاه امنیتی که دارند از این امر اجتناب نموده و به صورت کلی در خصوص این قبیل پرونده‌ها صحبت می‌نمایند.

نکته قابل تأمل اینکه این رویه امنیتی در مرحله اجرای احکام نیز به چشم می‌خورد و عدم ابلاغ زمان اجرای حکم به متهم و خانواده وی از دیگر پیامدهای این رویکرد است. به گونه‌ای که مصاحبه‌های انجام شده با محکومین به اعدام جرایم مواد مخدر و خانواده‌های آن‌ها نشان داد که قریب به اتفاق مصاحبه شونده‌گان از سرنوشت نامشخص خویش می‌گفتند. به گفته یکی از محکومین مصاحبه شده در زندان مرکزی مشهد: «ما هر روز شاهد خارج نمودن رفقا و هم بندی‌های خود از بند به بهانه‌های مختلف و در اصل، برای اجرای حکم اعدام هستیم.» دیگر محکوم مصاحبه شده اظهار داشت: «در این روزها تلفن‌های زندان قطع می‌شود تا خانواده‌های ما از موضوع اطلاع نداشته باشند و فردای آن روز بدون مقدمه به خانواده‌های ایشان اعلام می‌کنند که بیاید جنازه‌ها را تحویل بگیرید.»

مادر یک زندانی محکوم به اعدام نیز گفت: «پس از صدور حکم اعدام، مسئولین زندان به پسرم اعلام کردند که بخاطر روز مرد، لیست تعدادی زندانی محکوم به اعدام را جهت عفو خواسته‌اند و نام تو هم در لیست می‌باشد؛ ما امیدوار شدیم. پسرم به جهت حسن رفتار، در قسمت انتظامات زندان فعالیت داشت؛ سه روز پس از اعلام اینکه مشمول عفو می‌شوی، بعد از انجام خدمت با من تماس گرفت و گفت انتظامات بودم؛ از شب قبل نخوابیدم؛ خسته‌ام؛ می‌خوابم و آن روز دیگر تماس نگرفت. گفتیم خسته بوده و خوابیده و روز بعد متوجه شدیم که وقتی پسرم رفته بود که بخوابد برای اجرای حکم اعدام او را بدون مجال خداحافظی با من بردند و سحرگاه اعدام کردند و با برادرم تماس گرفتند که برویم جنازه را تحویل بگیریم!! شوکه شده بودیم و باور نمی‌کردیم...».

نگارنده در حرفه وکالت با پرونده‌ای مواجه شد که «پس از صدور حکم اعدام برای محکوم به جرم حمل و نگهداری ۱۴ کیلو هروین، بدون اطلاع قبلی به خانواده وی و آخرین دیدار حکم اعدام ایشان اجرا می‌گردد. روز قبل از اجرای حکم فرد محکوم در حالیکه با خانواده خود تماس گرفته و با توجه به ادله قوی مبنی بر افترا عملی مواد مخدر و اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور توسط وکیل، صحبت می‌نمودند ایشان را صدا زدند و اعلام نمودند که وی را می‌خواهند به بهداری زندان ببرند، با توجه به مورد مشابه در زندان احتمال عزیمت خود برای

اجرای حکم اعدام را متوجه می‌شود و به خانواده خود می‌گوید هرکاری که می‌توانید انجام دهید و تلفن‌های زندان قطع می‌شود، تلاش‌های خانواده بی‌ثمر بوده و روز بعد طی تماس تلفنی با خانواده وی اعلام می‌کنند که حکم اجرا شده است و برای تحویل جنازه مراجعه نمایند». به اعتقاد یکی از وکلا با اشاره به فضای امنیتی حاکم در پرونده‌های مواد مخدر به خصوص در سال‌های پس از انقلاب گفت: «تعداد زیادی از اعدام‌ها بدون اطلاع رسانی به خانواده‌ها یا اتمام پروسه قضایی و با وجود ابهامات فراوان انجام گرفته است».

باید خاطر نشان کرد در مطالعات فقهی، سابقه فقهی قابل‌اعتنایی در ارتباط با جرم‌انگاری علیحده افساد فی‌الارض^۱ وجود ندارد. با این حال علیرغم محذوریت شرعی در تعزیری قلمداد نمودن مجازات اعدام و تردید اساسی در تعیین مجازات مزبور برای مجرمین مواد مخدر، لکن منطقی‌کلان سیاست کیفری مقرر اصلاحی سال ۱۳۹۶ نیز همانند مقررات پیشین متأثر از نظام پاسخ‌دهی امنیت‌مدار و مبتنی بر شدت مجازات است. استعمال عبارت «در حکم» در صدر ماده ۴۵ الحاقی ۱۳۹۶، مؤید آن است که جرائم مواد مخدر به لحاظ ماهیت و حقیقت، با افساد فی‌الارض منطبق نیستند؛ لیکن مقنن فقط مجازات افساد فی‌الارض را بدانها تسری داده و عملاً از سیستم «احاله کیفر» بهره گرفته است (Saki & Koonani, 2019).

به عنوان مثال در یکی از پرونده‌های مواد مخدر که متهم قبل از تصویب ماده ۴۵ الحاقی به اتهام خرید و نگهداری ۷۵ گرم هرویین و ۴۳ گرم شیشه دستگیر و در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شد و محکوم به اعدام گردیده‌اند، در راستای ماده ۴۵ الحاقی محکومیت او به حبس تبدیل و با شمول عفو آزاد می‌گردد. اما همین متهم مجدداً مرتکب حمل مواد مخدر به میزان کمتر از مقرر مشمول اعدام می‌شود و دادگاه این متهم را مستنداً به ماده ۴۵ الحاقی به عنوان مفسد فی‌الارض شناخته و به مجازات اعدام محکوم نموده بود.

نتیجتاً از منظر قانون‌گذار با توجه به سیر تحول قانونی و صدور متعدد احکام اعدام در جرایم مواد مخدر استنباط می‌شود، جرایم پرریسکی همانند جرایم مواد مخدر امنیت اجتماعی را آشکارا آماج خود قرار می‌دهد. همانگونه که ملاحظه گردید، رویکرد سزاگرایانه قانونگذار در قبال جرائم مواد مخدر (علی‌الخصوص موارد مستوجب اعدام) که عمدتاً ناشی از حاکمیت نگاه امنیت‌گرایانه است، به رویه قضایی و فرآیند رسیدگی تسری یافته و در دیدگاه و رفتار کنشگران مختلف کیفری با وجود عدم اعتقاد قلبی به صدور و اجرای حکم اعدام نیز متجلی گردیده است. لازم به ذکر است محکومیت جهانی اعدام، نظام عدالت کیفری ایران را با چالش‌هایی روبرو می‌کند. از همین رو هنگامی امنیت‌گرایی مورد نظر قانون‌گذار در جرایم مواد مخدر از رهگذر اصدار مجازات سختگیرانه (همچون اعدام) تحقق می‌یابد که منطبق این پاسخ سلب حیات با نظام بین‌المللی، افکار عمومی و نتایج حاصله همگام با دیدگاه قانون‌گذار در جامعه منطبق باشد. با این حال از دیدگاه نویسنده؛ جرایم مواد مخدر به نسبت جرایمی همچون جرایم مالی مثل اخلال در نظام امنیتی، اقتصادی کشور و... به این شدت و حدت امنیتی نبوده و نگاه امنیتی قانون‌گذار به این جرایم با این درجه از شدت و حدت ممکن است باعث اجحاف بر حق متهم یا عدم توجه به دفاعیات متهم و صدور اعدام‌های ناعادلانه باشد.

گسترش دامنه شمول جرایم مستوجب اعدام در بستر عوام‌گرایی کیفری

^۱ در بین فقهای امامیه، از فقهای قدیم (شیخ مفید، ۱۴۳۰ق؛ طبری، ۱۴۱۲ق؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۷۸ش؛ ابوالفتح رازی، ۱۳۹۸ق؛ ۸۵) تا فقهای معاصر (بهجت، ۱۳۸۲ش و سیستانی، ۱۴۲۳ق) (Fathi, 2014)؛ خوئی، ۱۴۰۷ق؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۹۲ش؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق) هیچ‌یک بین حکم کیفری محارب و مفسد فی‌الارض، تفکیکی قائل نشده و حد مجزایی برای هر یک از آن دو عنوان، ذکر نکرده‌اند و در بسیاری بلکه در همه آثار فقهی در دسترس، محاربه و افساد فی‌الارض با تکیه بر آیه محاربه، یک مقوله و یک عنوان کیفری تلقی شده است (Salarzaei & Afroushteh, 2019). تنها یکی از فقها یعنی مرحوم ابن‌حمزه در تیزی از عنوان «مفسد» استفاده کرده است که با مراجعه به کتاب مشاهده میشود که منظور ایشان از مفسد، همان محارب است (Borhani, 2015).

عوام‌گرایی کیفری، هنگامی ظهور می‌کند که نظام عدالت کیفری در راستای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرائم، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی مورد تأیید کارشناسان و نخبگان، به راه‌حل‌های سریع و ساده متوسل شده و سیاست‌ها و برنامه‌هایی که فاقد مبنای علمی و کارشناسی هستند را تدوین و اجرا نماید (Roberts et al., 2013). بایستی خاطر نشان ساخت که از دیدگاه واقع‌بینانه، نظام عدالت کیفری هیچ‌گاه به طور کلی نمی‌تواند عاری از رویکردهای عوام‌گرایانه باشد^۱. البته اشاره به این نکته ضروری است که نباید از یک سو فرهنگ عمومی و عوام‌گرایی را یکی پنداشت و از سوی دیگر نسبت منطقی کیفرگرایی و عوام‌گرایی را مساوی دانست (Bennet, 1998). از نگاه تطبیقی به استثنای چند کشور محدود مانند هلند، سوئد و دانمارک که رویکرد تسامحی نسبت به جرائم مواد مخدر اتخاذ کرده‌اند، در بیشتر کشورها (Van Swaaningen, 2005)، شاهد بروز عوام‌گرایی کیفری و در نتیجه گرایش به سخت‌گیری در این حوزه هستیم (Farajih & Moghaddasi, 2015). به عنوان نمونه در کشور فیلیپین، از زمان به قدرت رسیدن «رودریگو دوترته» در سال ۲۰۱۶، حرکت قانونگذاری خشونت‌آمیز و عامه‌پسند، علیه جرائم مواد مخدر به راه افتاده و همبستگی مثبت میان نگرش‌های عوام‌گرایانه و حمایت از کمپین مزبور، قابل مشاهده است (Kenny & Holmes, 2020). در نظام کیفری ایران، این امر به صورت سیطره گفتمان رسانه‌ای بر سیاست‌ها، سرعت در رسیدگی، تحدید حقوق متهمان، استفاده از راهکارهای سختگیرانه مانند اعدام و حبس طولانی مدت و تأکید بر اجرای علنی مجازات متجلی شده است (Farajih & Moghaddasi, 2015).

حال باید به این سوال پاسخ داد که آیا عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی به واسطه گرایش به مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر موجبات قانون‌گذاری در این خصوص را فراهم می‌آورد؟! به نظر می‌رسد مصاحبه‌ها و مطالعات پرونده‌ها پاسخگوی این سوال باشد. به همین جهت نگارندگان ابتدا با متن پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان و پرونده‌های مورد مطالعه و تحلیل ضمنی شروع می‌نمایند. نظر یکی از قضات مصاحبه شونده این می‌باشد که: «با توجه به اینکه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر به واقع جنبه شرعی و فقهی ندارد اگر تمایل افکار عمومی بر لغو اعدام بود و فشار عوام‌گرایی کیفری بر قانون‌گذار حاکم نبود این مجازات از جرایم مواد مخدر لغو می‌شد».

از دیدگاه یکی از وکلا، «نگاه قانون‌گذاران تعیین مجازات اعدام با توجه به درآمد زیاد حاصل از جرایم مواد مخدر و اغوا افراد در قبال آن و تبعات منفی آن بر جامعه، شاید به این دلیل باشد که به مردم بگوید که من به مردم اهمیت می‌دهم و با تعیین شدیدترین مجازات درصدد محدود کردن آن هستم و در واقع به نوعی فریب افکار عمومی باشد».

متأثر از رویه عوام‌گرایانه قانون‌گذار، رویه قضایی نیز در موارد متعددی، رویکردهای عوام‌گرایانه اتخاذ نموده است. ارزیابی روند رسیدگی به برخی پرونده‌های مواد مخدر مستوجب اعدام توسط نگارندگان، نشان داد که اولاً بسیاری از متهمین مصاحبه شونده، از رسانه‌ای شدن پرونده خویش و بزرگ نمایی آن توسط مقامات پلیسی گلایه داشتند. طی برخوردهای نگارندگان با برخی از پرونده‌ها مشخص می‌گردد که رسانه‌ای شدن پرونده‌ها موجب شدت برخورد قضات نسبت به پرونده و پیش داوری نسبت به صدور آرا شده است. همچنین مأمورین کشف جرم تحت تأثیر احساسات و هیجانات، در تنظیم گزارشات خود از فرضیات عوام‌گرایانه استفاده می‌کنند؛ به عنوان نمونه، مأمورین پلیس در گزارشات خود از اینکه «بخش زیادی از مواد مخدر توسط افراد خانواده متهم امحاء شده» یا اینکه «خانواده متهم یا افراد محل، سعی در

^۱ اینکه جرم‌نگاری برخی افعال و در زمان‌های خاصی، تحت تأثیر فشار افکار عمومی و مطالبات جمعی صورت می‌پذیرد، موضوعی است که کمتر می‌توان در آن تردید داشت؛ از طرف دیگر، اجرای مجازات‌ها به صورت غیرمنعطف و بدون فوت وقت نیز می‌تواند گاهی در اثر همان فشارهای عمومی و مطالبات عوام و آحاد توده‌ها باشد.

متواری نمودن وی داشتند» یا اینکه «متهم چنین و چنان نمود»، داستان‌سرایی و بزرگنمایی می‌کنند که این امر موجبات شدت برخورد قضات با متهم و خانواده وی و بعضاً اجبار به پذیرش جرمی بیش از عمل ارتكابی می‌گردد.

از منظر یکی از قضات اجرای احکام کیفری انقلاب، «بازنمایی رسانه‌ای بزهکاران جرایم مواد مخدر نقش مهمی در سرعت رسیدگی صدور حکم اعدام و عدم توجه به ادله اشخاص در پرونده‌های مواد مخدر با میزان بالا دارد». بررسی رسانه‌ها توسط نگارندگان حاکی از آن است که رسانه‌ها با دستکاری افکار عمومی و نیز ایجاد هراس در افکار عمومی جامعه نسبت به آن‌ها از این مجرمین به مثابه هیولا و دشمن نظام و مردم یاد می‌کنند که این امر زمینه پیشنهاد پاسخ‌های سخت‌گیرانه و عوام‌گرایی در برابر این بزهکاران را فراهم می‌آورد و در نتیجه این فشار کنشگران در نگاه عدالت کیفری نیز تحت تأثیر افکار عمومی عوام‌زا، سیاست‌گذاری می‌کنند و امکان خوف مجازات اعدام با این وصف امکان پذیر نیست.

ثانیاً، در برخی گزارشات ارسالی پلیس به مقامات قضایی، درخصوص نحوه ارتكاب جرم، میزان مواد و نوع رفتار متهمین موقع دستگیری، بزرگ‌نمایی صورت می‌پذیرد؛ گفتمان پلیس مبنی بر اینکه: «ما باند بزرگ مواد مخدر با این تعداد سرکرده و این کیفیت را کشف کردیم»، در راستای عوام‌گرایی کیفری است؛ چرا که با این ادبیات، سعی در کنترل جرم دارند. علاوه بر این، اینگونه اظهارات از جانب معاون مقابله با عرضه و امور بین‌الملل ستاد مبارزه با مواد مخدر مبنی بر اینکه: «انتظار است این رسیدگی‌ها به سرعت انجام شود تا بازدارندگی لازم ایجاد شود»، نیز در همین راستا، قابل تفسیر است.

ثالثاً، غالب قضات مصاحبه‌شونده تحت تأثیر آموزه‌های عوام‌گرایانه، معمولاً صرف تصرف در مواد مخدر یا نگهداری آن را حمل بر مالکیت فرد متصرف یا نگه‌دارنده نموده و به سایر احتمالات شایع در اینگونه پرونده‌ها (همچون انتساب غرض ورزانه و افترای عملی بر علیه فرد متهم) جز در صورت وجود ادله متقن برخلاف آن، چندان توجهی نمی‌کنند. اکثریت قضات مصاحبه‌شونده، علاوه بر عدم توجه به ادله ابرازی توسط متهمین و وکلای آنان، اصرار بر اعتراف متهم یا متهمین دارند. مقامات مزبور تحت تأثیر آموزه‌های عوام‌گرایانه، غالباً هیچ یک از ادله ابرازی را استماع ننموده و صرفاً به متهم اینگونه می‌گویند که: «اعتراف کن تا تخفیف بگیری»؛ به عنوان نمونه در پرونده‌ای متهم اصرار داشت که: «مواد مربوط به من نیست شاهد دارم، مرا دست خالی دستگیر کردند و پس از دستگیری من با پیگیری خانواده‌ام در محله زندگی مان مشخص شده است، این مواد در همان روز از شخص دیگری در محل ما کشف شده است». اما به دلایلی مامورین از معرفی او به مقام قضایی امتناع نموده و در ادامه جریان رسیدگی در همین پرونده در دادسرا، بازپرس به متهم اعلام می‌نماید: «گوشمان پُر هست از این حرف‌ها...» و به هیچ یک از ادله ابرازی توجه بایسته نکرده در دادگاه نیز قاضی ضمن اتخاذ رویه مشابه بازپرس، متهم را خطاب قرار داده و گفت: «فقط اعتراف کن! وگرنه اعدام میشی! اعتراف کن تا کمکت کنم تخفیف بگیری». پس از استنکاف متهم از اقرار، قاضی ابراز داشت: «وکیلت بهت یاد داده! پول آنچنانی گرفته و بهت یاد داده که بگی مال من نیست! برای هر دوتون بد میشه!»

از منظر یکی از قضات دادگاه انقلاب مشهد «شاید حمایت جانبدارانه افکار عمومی از مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر مشهود نباشد. به عبارت دیگر عوام‌گرایی کیفری در خصوص این جرایم مشمول اعدام شهود عینی نداشته باشد اما همین که مردم نسبت به مجازات اعدام در این جرایم موضع خاصی نمی‌گیرند و بیشترین موضع‌گیری از سوی کسانی می‌باشد که یا خانواده قاچاقچیان می‌باشند یا به نوعی ارتباط مستقیم با ایشان دارد که این خود نشان‌دهنده نقش نظر عوام در ابقا مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر دارد که در هر برهه‌ای بنا به نظر عوام شدت و ضعف دارد».

همانگونه که ملاحظه می‌شود، روند رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر مستوجب اعدام و همچنین مصاحبه با کنشگران این حوزه و پرونده‌های مطالعه شده نشان می‌دهد که نفوذ آموزه‌های عوام‌گرایانه و به تبع آن، اتخاذ رویکردهای احساسی و هیجانی هم در سطح عملکرد ضابطین دادگستری و هم در سطح عملکرد مقامات قضایی (اعم از دادسرا و دادگاه) قابل توجه است، لکن نسبت به دیگر مؤلفه‌های تاثیرگذار کمتر می‌باشد. چرا که علی‌رغم واکنش جامعه و افکار عمومی به رسانه‌ای شدن برخی جرایم خشن از جمله قتل، جرایم جنسی و... در رسیدگی سریع به این پرونده‌ها به جهت بازتاب گسترده این اخبار لکن در جرایم مواد مخدر افکار عمومی کمتر به این جرایم توجه داشته و موضع خاصی نسبت به این موارد نشان نمی‌دهند مگر در موارد خاص مانند قاچاق‌های مسلحانه مواد مخدر در مناطق مرزی که منجر به درگیری‌های مسلحانه با عوامل نیروی انتظامی و... می‌گردد. طی مصاحبه انجام شده با یکی از قضات دادگاه انقلاب به بیان این قاضی: «بحث عوام‌گرایی کیفری را مؤثر نمی‌دانم، دغدغه قانون‌گذار در ادوار سابق قانون‌گذاری توجه به خواسته و قبولیت عموم نبوده. چراکه سابقاً شبکه اجتماعی گسترده امروزی وجود نداشته است و اکنون هم مردم موضع خاصی نسبت به این جرایم نمی‌گیرند که بتوان گفت عوام‌گرایی منتج به شدت مجازات می‌شود».

لذا به هر روی اگرچه تأثیر عوام‌گرایی کیفری بر شمول گسترش مجازات اعدام به خصوص از دیدگاه نظری نمی‌توان نادیده گرفت، اما در مطالعات و مصاحبه‌های صورت گرفته و بررسی پرونده‌های مشمولین اعدام جرایم مواد مخدر، از اثرگذاری این مؤلفه تأثیرگذار کمتر سخن به عمل آمده است و به نظر می‌رسد توسل به جنبه‌های مقابله و سرکوب در جرایم مواد مخدر هنوز هم از ظرفیت‌های زیادی برای جلب افکار عمومی برخوردار است.

تأکید بر بازدارندگی قطعی و حتمیت مجازات

در حوزه جرائم مواد مخدر، همواره یکی از مهمترین انتقادات افکار عمومی بر مجازات‌های پیش‌بینی شده قانونی، ناظر بر بی‌اثر بودن و غیرقابل توجیه بودن آن‌ها بوده است (Emigholz, 2006) که خود ریشه در فقدان توجه کافی قانون‌گذار به متغیرهایی همچون حتمیت و قطعیت مجازات است. متأثر از این دیدگاه به جرائم حوزه مواد مخدر، مجرمین دارای حالت خطرناک، غیرقابل اصلاح تلقی شده و بایستی با سلب حیات قانونی (اعدام)، برای همیشه از جامعه طرد گردند؛ زیرا تنها در چنین حالتی است که برای همیشه از ادامه فعالیت مجرمانه خود محروم می‌شوند (Rezvani, 2012)؛ بنابراین در مقام دفاع از جامعه، می‌توان از مجازات اعدام استفاده نمود؛ به بیان دیگر، مجازات مزبور، ابزاری در دست متولیان نظام عدالت کیفری به منظور حذف مجرمین پرخطر مواد مخدر است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت اجرای یک فقره اعدام، مترادف با نجات هجده بزه‌دیده بالقوه است (Melusky & Keith, 2017). قانون‌گذار کیفری ایران در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۷۶ و الحاقات بعدی) در چهارده مورد، مجازات اعدام را برای مرتکبین جرائم مشمول در نظر گرفته است. همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، ماده ۴۵ اصلاحی مصوب ۱۳۹۶ علیرغم قصد تحدید گستره اعدام، همچنان به ایده بازدارندگی و حتمیت مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر وفادار بوده است. در مصاحبه با یکی از دادستان‌های شهرستان خراسان رضوی در خصوص تاثیر ماده ۴۵ الحاقی در افزایش حتمیت و قطعیت مجازات اعدام بیان داشتند: «حتمیت و قطعیت اجرای مجازاتی معتدل نسبت به مجازاتی سنگین که احتمال عفو و فرار محکوم علیه از مجازات وجود دارد تأثیر بیشتری به جا می‌گذارد و مجازات از هر نوع آن باید با قطعیت کامل اجرا شود، قبل از تصویب شدن ماده ۴۵ الحاقی به قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر قضات به هر نحو سعی می‌کردند راهی برای فرار متهم از اجرای مجازات بیابند با تصویب ماده ۴۵ الحاقی و احکام اعدام صادره از دادگاه انقلاب با حتمیت و قطعیت بیشتری اجرا گردید و با توجه به نوع

قانون‌گذاری قضات نیازی به ابراز ترحم و دلسوزی در صدور احکام نمی‌بینند و از طرف دیگر در مقام تجدید نظر و فرجام‌خواهی هم ضرورتی به نقض احکام بدوی و نقض احکام اعدام نمی‌بینند. بنابراین احکام صادره از دادگاه‌های انقلاب حتمیت و قطعیت بیشتری پیدا می‌کند. از طرفی احکام اعدام که طبق ماده ۴۵ الحاقی صادر می‌شود به صورت نادر و آن هم بدون هیچ گونه ضابطه مشخصی مشمول تخفیف و عدم اجرای مجازات اعدام می‌گردد و با قطعیت بیشتری اجرا می‌شود و متهمین جرایم مواد مخدر امید فریبنده برای رهایی از کیفر ندارند». البته نکته قابل توجه اینکه به نظر ایشان این حتمیت و قطعیت باعث کاهش نرخ بزهکاری در حوزه جرایم مواد مخدر به خصوص بحث قاچاق آن نشده است.

طی مصاحبه نگارنده با یکی از وکلای دادگستری که غالب پرونده‌های ایشان در زمینه جرایم سنگین حوزه مواد مخدر بوده اعلام داشتند: «مجازات اعدام بسیار بسیار بازدارنده است لکن برای جرایم حوزه مواد مخدر بازدارنده نیست. چرا که مجرمین وارد در این حوزه اعم از حاملان و خرده‌فروشان یا سرکردگان تحت شرایط ارتکاب جرم نسبت به مجازات این جرم و اعدام توجه خاصی ندارند و به همین جهت ما شاهد همکاری زنان در این جرایم می‌باشیم در حالیکه در جرایم دیگر با مجازات مشابه به جهت ارعاب و بازدارندگی کمتر شاهد حضور آنان هستیم».

در مصاحبه با یکی از قضات و اعلام تمثیل‌هایی از احکام اعدام از ناحیه ایشان موردی مطرح گردید که متهمی راننده بوده و اعلام داشته است به هیچ وجه اطلاعی از محموله مواد مخدر موجود در خودرو نداشته است لکن این ادعا مورد پذیرش قاضی رسیدگی کننده قرار نگرفته است و نهایتاً حکم اعدام صادر و اجرا گردیده است. با تأکید بر اینکه شاید این امر حتمیت داشته باشد اما ایشان صراحتاً تأکید بر اینکه شخص مجازات شده فقط حمل کننده مواد بوده و مستحق مجازات اعدام نبوده بیان داشتند: «مجازات اعدام صحیح بوده و منجر به بازدارندگی می‌شود چرا که در غیر این صورت هرگز به مالک اصلی نمی‌رسیم اگرچه بعضی از قضات خلاف عقیده من را دارند اما آن‌ها نیز مجازات اعدام را صادر می‌کنند».

از دیدگاه قاضی دیگر: «اعدام برای مجازات جرایم مواد مخدر زیاد است و با اینکه مجرم را مستحق مجازات می‌دانم اما از دیدگاه من اعدام زیاد است و جنبه بازدارندگی ندارد. قانون قدیم به دلیل تعیین مجازات اعدام برای میزان کم مواد مخدر بازدارنده بوده و قانون جدید با وجود قرار دادن شرایط متعدد با افزایش میزان مواد مخدر مشمول اعدام بازدارنده نمی‌باشد و قبح جرایم مواد مخدر ریخته است». همچنین طی مصاحبه انجام شده با قاضی اجرای احکام ایشان عقیده داشتند: «اعدام تأثیر بازدارندگی دارد ولی کل کار نیست و باید عوامل دیگر نیز بررسی گردد و بایستی مبادی ورودی مواد مخدر بسته شود».

به طور کلی ارزیابی محتوای مصاحبه انجام شده نگارندگان با جمعی از قضات دادسرا، دادگاه و شعب اجرای احکام انقلاب و وکلا و متهمین در حوزه قضایی شهرستان مشهد نشان می‌دهد که اکثریت وکلای مصاحبه شونده بنا به مناسبات شغلی خویش، ضمن مخالفت با مجازات اعدام، بر بار روانی ناشی از مجازات مزبور تأکید نموده و این امر را نافی مفید بودن و بازدارندگی اعدام میدانند و بنابراین موافق تبدیل اعدام به حبس طولی‌مدت هستند. نظر یکی از وکلا این بود که: «باید این مجازات اعدام برای مجرمین سازمان یافته و خاص باشد و به گونه‌ای قاضی قانوناً امکان عدم صدور حکم اعدام در خصوص سایر متهمین را داشته باشد هرچند که به نظر می‌رسد این امر خود مفسده است اما باید دید مفسده کدام بیشتر است».

یکی از قضات دادگاه انقلاب در باب عدم بازدارندگی مجازات اعدام در خصوص این جرم اعلام داشت که: «من در طی چهار سال در همین شعبه برای سه نفر از یک خانواده طی سه مرحله کشف مواد مخدر با فواصل زمانی حکم اعدام صادر کردم که دومین مورد آن بعد از یک سال از صدور حکم اعدام و برادر محکوم اول بود و نفر سوم فرزند این شخص بود و وقتی که احکام با این شدت برای نزدیک‌ترین فرد خانواده به وقوع می‌پیوندد اما باز هم سایر اشخاص خانواده این جرم را انجام می‌دهد باید دید که منافع حاصل از ارتکاب جرم مواد مخدر تا چه میزان می‌تواند باشد اما قانونگذار چاره‌ای جز صدور حکم اعدام ندارد».

یکی از قضات اظهار داشت که: «من با حبس مخالف هستم و اتفاقاً قانون سال ۱۳۹۶ با صدور احکام اعدام برای ۱۰۰ برابر مواد صنعتی بیشتر موجب شد که دیگر آن ارباب سابق حاکم نباشد. حبس با هر درجه با تخفیف مواجه است و محکومین به حبس می‌دانند که بعد فاصله زمانی با عفوها و سایر نهادهای تخفیفی بعضاً مجازات حبس ۳۰ ساله را طی ۴ یا ۵ سال که بخشی از آن را هم در مرخصی به سر می‌برند سپری می‌کنند بنابراین بازدارنده نیست».

غالب متهمین مصاحبه شونده معتقدند که با اعدام آنها، مشکلی حل نشده و جرائم مواد مخدر به شکل دیگر و توسط سایر افراد، ارتکاب خواهند یافت. در پرونده مورد رسیدگی در یکی از شعبات دادگاه انقلاب مشهد که توسط نگارنده مورد مطالعه قرار گرفت با عنوان اتهامی نگهداری ۱۷۳ کیلوگرم تریاک، نگهداری ۴۵/۲ کیلوگرم هروئین و شیشه و شروع به خرید ۱۳ کیلوگرم هروئین و شیشه، برادر و سایر منسوبین متهم اصلی پرونده، صراحتاً در دیدار با وکلای خود به سابقه خانوادگی در این حوزه خاص اشاره داشتند؛ این در حالی است که نکته قابل تامل این می‌باشد که تقریباً همگی نیز از میزان مجازات مقرر قانونی و سرنوشت احتمالی پرونده مطلع بودند.

یکی از مصاحبه شونده‌گان محکوم به اعدام نیز اظهار داشت که: «از مجازات اعدام مطلع بودم اما خرید و فروش مواد مخدر، شغل موروثی و خانوادگی من است و هیچ مهارتی جز این امر ندارم».

متهمین مصاحبه شونده به شدت با مجازات اعدام مخالف بودند و معتقد بودند که هیچ فایده‌ای بر این مجازات، با مرگ آن‌ها مترتب نمی‌باشد؛ به عنوان مثال، مرد مصاحبه شونده محکوم به اعدام ۳۰ ساله ابراز داشت که: «من وقتی این جرم را مرتکب شدم، بخاطر بیست میلیون تومان پول در مقابل حمل مواد بود؛ من اگر ناچار نبودم که این کار را نمیکردم تا در جوانی اعدام شوم و خانواده ام آواره تر از قبل. با مجازات من چه فایده‌ای نصیب جامعه می‌شود؟». مشارالیه در مقابل این سوال که چه مجازاتی بشوی بهتر است؟ گفت: «حاضرم تا پایان عمرم هر کاری به من بگویند بدون مزد انجام بدهم».

یکی از متهمین مواد مخدر که سابقه محکومیت قبلی به اعدام داشته و در راستای ماده ۴۵ الحاقی محکومیت وی به حبس تبدیل شده و سپس آزاد گردیده‌اند و اکنون نیز برای حمل مواد مخدر به میزان ۶۰ کیلو تریاک به اعدام محکوم شده است، در پاسخ به این سوال که یک نوبت تا پای طناب دار رفته‌اید چرا مجدداً با این حجم مواد دستگیر شده‌ای؟! در پاسخ صراحتاً اعلام داشتند که این وسوسه شیرینی است. بعد از آزادی از زندان با خودم عهد کردم کار کنم اما پس از مدت کوتاهی متوجه شدم که اگر صبح تا شب هم کارگری کنم حتی نمی‌توانم شکم زن و فرزندم را سیر کنم اما با این کار می‌توانم حتی به خواهر و برادرم هم کمک کنم برای همین مجدد به این کار روی آوردم».

طی مطالعه پرونده‌ای که توسط نگارنده در دادگاه انقلاب صورت گرفت مشاهده گردید که: «همسر خانواده به بیرون از منزل رفته و همسر ایشان همراه دخترش در حال بسته‌بندی مواد به بسته‌های ۶ گرمی حسب دستور همسرش بوده است و در این اثنا دخترعموی این خانم که همسر برادر شوهرش نیز بوده به جهت کشیدن قلیان و دیدار به منزل وی آمده است و در کنار ایشان نشسته‌اند که مأمورین وارد می‌شوند و

این سه نفر دستگیر و متعاقباً همسر خود را معرفی و ایشان اقرار به تعلق مواد مخدر به خود نموده و بیان داشتند اقدام همسرش حسب دستور وی بوده است. لکن بازپرس اقدام به صدور قرار مبنی بر مشارکت ۴ کیلو مواد مخدر برای هر چهار نفر صادر می‌کند که پرونده در دادگاه با این قرار برای صدور احکام در حال رسیدگی بود. این در حالی است که در بسیاری از پرونده‌ها با این اقرار، بازپرس از جرم سایر اعضای خانواده چشم‌پوشی می‌نماید. اما بعضاً نحوه قانون‌گذاری و امکان تعیین مجازات برای تمامی افراد که از مواد مخدر صرفاً اطلاع داشته و نقشی در خرید یا فروش نداشته و تعیین مجازات به عنوان نگهداری مواد مخدر صرفاً به جهت بازدارندگی و ارعاب جمعی موجب اجرای تبعیض‌آمیز مجازات نیز شده است».

با توجه به مطالب فوق مشخص می‌گردد، قضات مصاحبه‌شونده در خصوص بازدارندگی و حتمیت و قطعیت مجازات اعدام دو رویکرد متفاوت دارند. موافقین سودمندی مجازات اعدام معتقدند که: «فقط با حذف مجرم، خودش و دیگران درس عبرت می‌گیرند و ما نباید به این فرد فرصت دوباره بدهیم؛ چون که همه موارد مشابه، نشان داده که این افراد به هیچ وجه پشیمان نشده و به اصلاح ندامت این افراد، ظاهرسازی است و ما نباید سال‌ها برای این متهم در زندان از بیت المال هزینه کنیم». به نظر یکی از قضات رسیدگی کننده که به نقل قول از خود ایشان احکام اعدام زیادی صادر کرده بود: «پول درشت حاصله از مواد مخدر در این جرایم مانع از ارزیابی این مجرمین و ارعاب از مجازات اعدام شده است این مجرمین تصور می‌کنند که با احتمال تخفیف دستگیری نمی‌توان از این پول و جاذبه‌های آن چشم‌پوشی کرد».

در مقابل، مخالفین سودمندی مجازات اعدام معتقدند «چرا باید چنین مجازاتی تعیین شود وقتی هیچ فایده‌ای ندارد؛ من اگر مجازات می‌کنم چون قانون تعیین کرده و به جای این اگر بیایم حبس بدون مرخصی و عفو بگذاریم، فرد بهتر مجازات می‌شود»، «ما با مجازات اعدام، خانواده فرد را مجازات می‌کنیم؛ هر روز در انتظار مجازات اعدام، این خانواده، اعدام می‌شوند و در نهایت باز هم چرخه خرید و فروش مواد توسط این خانواده انجام می‌شود؛ چون کار دیگه‌ای را نیاموخته‌اند و هیچ فایده‌ای بر این مجازات مترتب نیست». طبق نظر قاضی دیگر «ما می‌توانیم با تعیین جریمه‌های سنگین نه به اندازه قیمت مواد یا دیه این شخص، بلکه به اندازه اندوخته کل خانواده اش، به عنوان مثال مبلغ پنجاه میلیارد یا حتی بیشتر در مقابل حیات این شخص تعیین کنیم که فایده‌ای بر قاچاق مواد مترتب نباشد و برای دولت هم فایده داشته باشد و این شخص را به مجازات حبس سنگین هم محکوم کنیم».

اعلام نظرات متعدد مخصوصاً نظریه اخیر که فقرا را اعدام و ثروتمندان رهایی یابند نشان از علم قضات به عدم بازدارندگی مجازات اعدام داشته و می‌بایست قانون‌گذار در این خصوص راهکار موثری بیاندیشد.

به عنوان نمونه طی مصاحبه با یکی از متهمین که راننده خودرو سنگین بوده و در یک نوبت به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر دستگیر گردیده لکن به جهت اقرار شاگرد راننده حکم برائت صادر گردیده بود و در نوبت دوم به جهت ارتکاب جرم مربوط به حمل مواد مخدر دستگیر می‌گردد، در پاسخ به این سوال که چرا مجدداً با علم به مجازات این جرایم اقدام به این کار کردی؟ پاسخ داد که «به جهت هزینه‌های بیماری دخترم و مشکلات مالی قبول کردم که محموله را جابه‌جا کنم».

به نظر نگارندگان درخصوص بازدارندگی مجازات اعدام به عنوان بستر و زمینه پیش‌بینی آن در خصوص جرائم مواد مخدر، شکاف قابل توجهی میان رویکرد قانون‌گذار کیفری و اعتقاد و تجربه عملی کنشگران کیفری (اکثریت قضات، وکلا و متهمین) به چشم می‌خورد. با این حال می‌توان گفت غالب احکام اعدام صادره از دادگاه انقلاب در دیوان عالی کشور تأیید می‌شود و تعداد کمی از احکام اعدام تأیید شده بدون تعیین ضابطه مشخصی در نهایت مورد عفو و تخفیف قرار می‌گیرند. اما این موضوع باعث نمی‌شود تا حتمیت و قطعیت در اجرای

مجازات اعدام بتواند موجب بازدارندگی از ارتکاب به این جرم شود. لذا از دیدگاه نگارنده لزوم بازنگری در قوانین مربوط به این جرایم وجود دارد و همچنین قانون به گونه‌ای تدوین شده است که برای قاضی رسیدگی کننده دسترسی به متصرف مواد مخدر کفایت می‌کند. حال آنکه این افراد غالباً حاملان و حافظان این مواد می‌باشند که به جهت فقر و استیصال در این گردونه قرار گرفته‌اند و با مطالعه پرونده‌های این جرایم و مصاحبه با محکومین به وضوح این امر روشن می‌گردد. همچنین با توجه به اینکه طبیعتاً علم به مجازات جرم برای این افراد اهمیتی نداشته و نقش بازدارندگی نیز ندارد و قانون‌گذار می‌بایست به گونه‌ای قانون‌گذاری نماید که شناخت عوامل اصلی و سرکرده‌های باندهای مواد مخدر در اولویت قرار گیرد. همچنین حذف یا محدود کردن مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر مستلزم یک بررسی کامل کارشناسی جهت تعیین مجازات‌های جایگزین مؤثر می‌باشد.

با توجه به اینکه آمار بالای اعدام در کشور از منظر بین‌المللی مورد خدشه قرار گرفته که بخش عمده آن اعدام قاچاقچیان مواد مخدر می‌باشند، حذف یا محدود کردن آن در جایگاه بین‌المللی بسیار مفید و مؤثر بوده و به نظر می‌رسد که لزوم کارشناسی بر روی مجازات جایگزین اعدام که متضمن بازدارندگی لازم باشد، ضروری است.

تأثیر نوع و میزان مواد مخدر بر مجازات

به طور کلی، نظام کیفری ایران از حیث دخالت دادن میزان مواد در میزان کیفر، از نظام کیفری آمریکا الگو گرفته است (Ali Mohammadi & Shadmanfar, 2018). بر همین مبنا اساسی‌ترین معیار قانون‌گذاری به جهت تعیین مجازات اعدام در تمامی ادوار قانون‌گذاری میزان مواد مکشوفه و نوع آن به جهت خطر ایجاد شده برای جامعه است که طی گذر زمان مفهوم این خطر در میزان و نوع مواد تغییر نموده است. اما نکته قابل توجه اینکه مجازات سنگینی همچون اعدام باید بازدارنده باشد که متأسفانه بازدارندگی لازم را نداشته و هر روز به تعداد قاچاقچیان مواد مخدر افزوده می‌شود. فلذا فلذا بی‌مجازات ماندن عرضه‌کنندگان اصلی^۱ مواد مخدر (Kenny & Holmes, 2020)، یکسان انگاشتن کیفر حاملان، نگهدارندگان و دلالان مواد با مالکان و عرضه‌کنندگان اصلی و سرزنش‌پذیرتر دانستن خرده‌فروشان مصرف‌کننده نسبت به سایر خرده‌فروشان (Sadeghi et al., 2017)، از دیگر پیامدهای مترتب بر اتخاذ الگوی مزبور است. بند (ت) ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر (اصلاحی ۱۳۹۶) نیز اگرچه میزان مواد مستوجب صدور حکم اعدام را برای برخی جرائم از ۵ کیلوگرم (بند ۴ ماده ۴ اصلاحی ۱۳۸۹) به ۵۰ کیلوگرم و برای برخی دیگر از ۳۰ گرم (بند ۶ ماده ۸ اصلاحی ۱۳۸۹) به ۲ کیلوگرم (در مورد اعمال مجرمانه تولید، واردکردن، ارسال، توزیع، در معرض فروش قراردادن و فروش) و ۳ کیلوگرم (در مورد اعمال مجرمانه خرید، حمل، نگهداری و مخفی کردن) افزایش داده است، لیکن کماکان بر رویکرد کمیت‌گرایانه‌ی پیشین پافشاری نموده است.

^۱ حاملان، نگهدارندگان و دلالان مواد مخدر - که عموماً به واسطه عللی همچون فقر و عدم دستیابی به مشاغل قانونی، مرتکب چنین رفتارهایی می‌شوند - درآمد بسیار پایین‌تری در مقابل سایر بزهکاران این حوزه دارند و بنابراین دریافتی آن‌ها در مقابل رفتار ارتكابی بسیار ناچیز است (Hossein Pouri et al., 2023)، لیکن کیفر قانونی‌شان، مشابه با سایر عرضه‌کنندگانی است که با انگیزه کسب سود اقتصادی فراوان، وارد بازار خرید و فروش مواد می‌شوند. در واقع، فرض بر این است که مقصرتین بزهکاران، کسانی‌اند که بیشترین میزان مواد را نگهداری کرده، حمل می‌کنند و یا واسطه خرید و فروش آن‌ها میشوند و تفاوتی میان آن‌ها و مالکان و عرضه‌کنندگان اصلی، از حیث میزان سرزنش‌پذیری رفتارهایشان وجود ندارد؛ این در حالی است که بسیاری از این افراد، حتی هزینه خرید و فروش مواد را هم ندارند و بنابراین به راحتی میتوانند از سوی عرضه‌کنندگان اصلی در جریان مبادلات، مورد سوءاستفاده قرار گیرند.

بسترهاک تأثیرگذار بر تعیین مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر

جدول ۲. تأثیر نوع مواد مخدر در تعیین مجازات مجرمین مواد مخدر

پرونده	میزان و نوع مواد	سال دادنامه	صدور حکم	صدور حکم	اجرای سال حکم	اجرای نتیجه
شماره ۱	حمل و نگهداری ۳۵ کیلو و ۵۰ سانت هروئین- توزیع ۲۰ کیلو هروئین	۱۳۹۹	اعدام	اعدام	۱۴۰۰	اعدام
شماره ۲	۵۷۰ کیلو تریاک و حشیش	۱۳۹۵	اعدام	اعدام	۱۳۹۹	حبس ۲۲ سال (اعمال ماده ۴۵)
شماره ۳	۱- حمل ۱۹۳ کیلو تریاک- نگهداری ۹ کیلو تریاک و شیره و سوخته تریاک ۲- حمل و نگهداری ۲۱ و ۸۰۰ کیلو گرم شیشه	۱۳۹۷	اعدام	اعدام	۱۳۹۸	اعدام
شماره ۴	۲ کیلو و ۱۱۵ گرم هروئین و شیشه و ۴ و ۵۰۰ کیلو گرم استون به قصد تولید مواد مخدر و نگهداری یک کیلو و ۹۵ گرم تریاک	۱۳۹۹	اعدام	اعدام	۱۴۰۰	دو شریک اعدام- حبس (کمیسیون عفو)
شماره ۵	حمل و نگهداری ۵۰ کیلو و ۲۰۰ گرم هروئین و ۸۸ کیلو و ۵۰۵ گرم تریاک	۱۳۹۸	اعدام	اعدام	۱۳۹۸	اعدام
شماره ۶	حمل و نگهداری ۳ کیلو و ۹۷۵ سانتی گرم هروئین فشرده و کراک	۱۳۹۸	اعدام	اعدام	۱۳۹۹	حبس (کمیسیون عفو)
شماره ۷	حمل و نگهداری ۲۹ کیلو و ۸۰۰ سانتی گرم شیشه	۱۳۹۹	اعدام	اعدام	۱۴۰۱	اعدام
شماره ۸	حمل و نگهداری ۶ کیلو و ۳۵ سانتی گرم شیشه	۱۳۹۸	اعدام	اعدام	۱۴۰۰	اعدام
شماره ۹	حمل و نگهداری ۹ کیلو و ۹۹ گرم و ۴۵ سانت شیشه	۱۳۹۸	اعدام	اعدام	۱۳۹۸	اعدام
شماره ۱۰	مشارکت در حمل و نگهداری ۵ کیلو و ۴۰۰ گرم هروئین و کراک	۱۳۹۵	اعدام	اعدام	۱۴۰۰	حبس (اعمال ماده ۴۵ الحاقی)
شماره ۱۱	نگهداری ۳ کیلو و نیم هروئین	۱۴۰۰	اعدام	اعدام	۱۴۰۱	اعدام
شماره ۱۲	۱۴ کیلو و ۶۴۴ گرم شیشه	۱۳۹۸	اعدام	اعدام	۱۳۹۸	اعدام
شماره ۱۳	حمل ۷۵۰ گرم کریستال	۱۳۸۹	اعدام	اعدام	۱۳۹۷	حبس (اعمال ماده ۴۵ الحاقی)
شماره ۱۴	۱ کیلو و ۵۸۰ گرم هروئین پودری به اضافه ۱۰۰ گرم فشرده	۱۳۹۲	اعدام	اعدام	۱۳۹۸	حبس (اعمال ماده ۴۵ الحاقی)
شماره ۱۵	۴۴۵ گرم هروئین	۱۳۸۸	اعدام	اعدام	۱۳۹۹	۲۶ سال حبس (اعمال ماده ۴۵ الحاقی)
شماره ۱۶	نگهداری ۵۶۰ گرم کریستال و ۶ گرم تریاک و یک گرم و نیم شیشه	۱۳۸۸	اعدام	اعدام	۱۳۹۷	۲۶ سال حبس (اعمال ماده ۴۵ الحاقی)
شماره ۱۷	۲۰۴ کیلو مورفین، ۷ کیلو و ۵۰۰ گرم هروئین	۱۳۹۳	اعدام	اعدام	۱۳۹۴	اعدام
شماره ۱۸	۵ کیلو شیشه	۱۳۹۹	اعدام	اعدام	۱۴۰۲	اعدام

مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته نگارندگان با جمعی از قضات دادسراها، دادگاه‌ها و شعب اجرای احکام کیفری مرتبط با جرائم مواد مخدر، بیانگر آن است که در عمده پرونده‌های مواد مخدر، مالکین اصلی مواد، یا دستگیر نمی‌شوند و یا بلافاصله با قبول مواد از ناحیه سایر اشخاص (عمدتاً حمل‌کنندگان) از دستگیری، رهایی می‌یابند.

به عنوان نمونه در یک پرونده کیفری با موضوع اتهامی نگهداری ۵/۵۸۹ کیلوگرم شیشه، با وجود اقرار متعدد متهم مبنی بر عدم تعلق مواد به وی و همچنین عدم اطلاع مشارالیه از کمیت و کیفیت آن‌ها از بدو دستگیری، به صرف میزان و نوع مواد مخدر و تصرف این مواد در ید

متهم و در خودرو وی علاوه بر صدور قرار مجرمیت در دادسرا، دادگاه بدوی (شعبه دادگاه انقلاب) نیز مبادرت به صدور حکم اعدام برای متهم نمود.

در پرونده‌ای با موضوع اتهامی نگهداری، حمل و وارد کردن ۱۴/۶۴۴ کیلوگرم شیشه از افغانستان به ایران که متهم (تبعه خارجی) با وجود عدم اطلاع از مواد مخدر جاسازی شده در دبه‌های روغن زرد که با واسطه شخص دیگری آن‌ها را وارد کشور نموده بود و اصرار متهم مبنی بر اینکه صرفاً سفارش روغن زرد از افغانستان داده و نمی‌دانسته که محتوای این دبه چه می‌باشد بی‌اثر بوده و در نهایت توسط دادگاه بدوی (شعبه دادگاه انقلاب)، به اعدام محکوم شده و حکم مزبور توسط مرجع تجدیدنظر (شعبه دیوانعالی کشور) نیز تأیید و اجرا گردید.

در پرونده‌ای دیگر با موضوع اتهامی «حمل ۴۸، ۵۱ و ۸۵ کیلوگرم هروئین فشرده و ۳۰۰ گرم تریاک از زابل به مشهد»، در سه مرحله متهم که خانم بوده شدیداً اطلاع خود از مواد مخدر را انکار نموده و اظهار داشتند که با تصور قاچاق لوازم آرایش همکاری داشته است. دادگاه انقلاب حتی با وجود گزارش ضابطین دادگستری مبنی بر اینکه «... با توجه به میزان دستمزد دریافتی و اینکه اگر از وجود مواد مخدر مطلع بودند، از مسیرهای دارای ایست بازرسی عبور نمی‌کردند؛ بنابراین به نظر می‌رسد خانم‌ها از جاساز مواد مخدر یا حداقل نوع و میزان آن اطلاع نداشته‌اند...»، این گزارش را رد نمود؛ استدلال دادگاه در دادنامه صادره این بود که: «... با بالا رفتن حجم مواد مخدر، کرایه حمل آن به ازای هر کیلو کاهش پیدا می‌نماید و طبیعی است برای حمل این میزان از مواد مخدر در قبال هر کیلو از آن، دستمزد کمتری پرداخت شود و مبلغ ۵۰ میلیون تومان، به هیچ عنوان دستمزد کمی نبوده و در بسیاری از پرونده‌ها دیده شده است که متهمین با مبالغ بسیار ناچیز، اقدام به حمل یا نگهداری مواد مخدر صنعتی در اوزان بالا نموده‌اند...».

مطابق مطالعات و مصاحبه‌های صورت گرفته نگارندگان در حوزه قضایی شهرستان مشهد نشان می‌دهد که در خصوص کمیت‌گرایی و تأکید قانون‌گذار بر میزان و نوع مواد در صدور احکام مربوطه، غالب انتقادات مطروحه از جانب وکلا و متهمین است. مهمترین دلایل وکلای مصاحبه شونده در مخالفت با معیار کمیت عدم توجه به سایر ضوابط از جمله مالکیت اصلی مواد، اطلاع یا عدم اطلاع فرد متهم و نیز میزان نقش افراد در سلسله مراتب ارتکاب جرم، احتمال اعمال نفوذ متهمین دارای تمکن مالی در آزمایشگاه‌ها به منظور پایین نشان دادن درجه خلوص مواد مکشوفه و... می‌باشد. لازم به ذکر است مهمترین دلایل متهمین مصاحبه شونده در مخالفت با معیار کمیت در تعیین مجازات اعدام به جهت احساس بی‌عدالتی و قربانی مطامع دیگران واقع شدن و اعتقاد بر پایین بودن درجه خلوص مواد مکشوفه برخلاف نظر مقامات رسیدگی کننده به پرونده بوده است. طی مصاحبه‌های صورت گرفته با متهمین بسیاری از متهمین به وزن اعلامی اعتراض داشته و اظهار می‌دارند که بیش از نیمی از مواد مخدر مکشوفه مخلوط غیر از مواد و به اصطلاح آشغال مواد می‌باشد اما غالباً قضات دادسرا و دادگاه به اعتراض متهمین در این خصوص ترتیب اثر نمی‌دهند یا اینکه نهایتاً به آزمایشگاه ناجا ارسال می‌شود که نتیجه این آزمایش از دسترس عموم خارج بوده و نمی‌توان آن را ارزیابی نمود. لذا با وجود اصرار شدید متهمین و اطمینان به وکلا که مشمول اعدام نمی‌گردند و وزن مواد کم می‌شود حتی یک گرم نیز کسر نمی‌گردد.

به عنوان نمونه بر مبنای رویکرد کمیت‌گرایانه قانونگذار، متهم به «خرید، حمل، نگهداری و مخفی نمودن ۲/۹۹ یا ۳ کیلوگرم شیشه، مستوجب محکومیت به اعدام نیست؛ لیکن چنانچه میزان مواد به ۳/۰۱ کیلوگرم برسد، بایستی متهم را به اعدام محکوم نمود».

اکثریت قریب به اتفاق قضات مصاحبه شونده اما در موافقت با معیار کمیت بر دلایلی تأکید می‌نمایند از جمله اینکه امکان تعیین ضابطه دیگر توسط قانون‌گذار وجود نداشت. غالب متهمین و وکلای آن‌ها در مورد میزان مواد، درجه خلوص مواد و مالکیت آنها، خلاف واقع می‌گویند

و بایستی ملاک، همان وزن اولیه اعلامی از جانب ستاد مبارزه با مواد مخدر و یا آزمایشگاه ناجا باشد؛^۱ به عنوان مثال طی مصاحبه با یکی از قضات دادگاه انقلاب که از وکلای پرونده‌های مواد مخدر انتقاد داشت به نظر این قاضی: «وکلا پرونده را درست مطالعه نمی‌کنند و می‌دانند با توجه به میزان مواد حق متهم اعدام است لکن دنبال تبرئه هستند در حالیکه قاضی طبق قانون نمی‌تواند آن میزان مواد را تبرئه کند و این باعث دیدگاه بد به وکلا می‌شود». از دیدگاه قاضی دیگر: «اصولاً تصرف مواد در ید متهم در اکثر قریب به اتفاق پرونده‌ها و حجم مواد و نحوه اقدام متهم مؤثر است».

به کرات در بازجویی‌ها محکومین اعلام می‌نمایند که «برای مصرف خودم خریدم که مدام مجبور به خرید مواد مخدر نشوم»، حال آنکه بیش از ۳ کیلو مواد مخدر اساساً مورد نیاز هیچ مصرف‌کننده‌ای نیست و از طرفی صرف نگهداری میزان مواد مخدر با نوع مشمول اعدام در صدور حکم مجازات اعدام کفایت داشته و دلیل آن برای قانون‌گذار و به تبع آن مجرمان عدالت کیفری بی تأثیر است اما به جهت عدم امکان دفاع متهمین و حتی وکلای آن‌ها به دفاعیات بی‌اثر متوسل می‌شوند.

یکی از دفاعیات بسیار مشهور که توسط متهمین و وکلا در پرونده‌های مورد بحث مشهود بوده اشتباه و تصور غلط متهم در تشخیص نوع مواد مخدر بوده است. غالباً با این دفاع که: «تصور می‌کردم تریاک یا حشیش حمل یا نگهداری می‌کنم»؛ سعی در رهایی از مجازات دارند که می‌شود گفت که قضات در دادسرا و دادگاه‌های استان خراسان حسب آنچه که نگارندگان در پرونده‌ها بررسی نمودند و همچنین طی مصاحبه با قضات این دفاع را صرفاً توجیه و بهانه دانسته و نمی‌پذیرند. به عنوان نمونه در پرونده‌ای دادگاه در رای اصداری اینگونه اعلام می‌دارد: «دفاع متهم از عدم اطلاع از ماهیت مواد مؤثر نمی‌باشد و با توجه به اظهارات متهم که گفته است مواد را می‌خواستند زیر زمین دفن کنند یکی از بسته‌ها افتاد و پس از پاره شدن آن متوجه شدم از نوع هروئین می‌باشد و کماکان به مسیرش به همراه سایر متهمین ادامه می‌دهد مورد قبول نیست». یا در مورد پرونده دیگری که مورد مطالعه قرار گرفت، متهم در دفاع از خود اظهار می‌دارد که: «ماشین را از من گرفتند بروند. قرار بود تریاک جاساز نمایند من اطلاعی از اینکه شیشه جاساز شده نداشتم». در این خصوص در پرونده هیچ تحقیقی جهت کشف حقیقت صورت نگرفته است و همین که این مواد در تصرف متهم بوده است برای صدور اعدام کفایت می‌نموده است.

برخی قضات مصاحبه شونده، ضمن دفاع از معیار کمیت، به ماده ۴۵ الحاقی جدید نقد داشته و بر این اعتقادند که این مقرره، موجبات عادی شدن و رواج مواد مخدر صنعتی را فراهم آورده است. به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی صرفاً با تأکید بر کمیت و تأثیر نوع و میزان مواد به عنوان ملاک صدور احکام سالب حیات به نوعی درصدد حذف عرضه کنندگان از بازارهای مواد مخدر و به تبع آن، کاهش جرم بوده است؛ حال آنکه رویکرد مزبور نتیجه‌ی مطلوب را در پی نداشته است. به عنوان نمونه، یکی از شعبات دادگاه انقلاب مشهد به صرف احراز حد نصاب قانونی نگهداری و حمل هروئین، شیشه و استون و با استناد به اقرار متهم و دفاعیات غیرمؤثر وکیل تسخیری وی، متهم را به اعدام محکوم نمود.

^۱ همانگونه که ملاحظه میشود، علیرغم وجود برخی الزامات قانونی همچون بخشنامه شماره ۱/۸۶/۶۹۷۳ مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۳۱ رئیس وقت قوه قضائیه، قضات محاکم به صرف احراز کمیت قانونی مواد اکتفا نموده، توجهی به ضرورت احراز درجه خلوص مواد مکشوفه نکرده و یا آن را در تعیین مجازات، مؤثر نمی‌دانند؛ به گونه‌ای که در قسمتی از رأی صادره توسط یکی از شعب دیوانعالی کشور بر این موضوع تأکید گردیده است که «...درجه خلوص مواد مکشوفه مؤثر در تعیین میزان مجازات نمی‌باشد...» سامانه ملی آرای قضایی: (<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/27609>)؛ این در حالی است که تمامی تعاریف لغوی، اصطلاحی و قانونی مواد مخدر، همگی ناظر بر معنای «مواد مخدر خالص» هستند (Zara't & Safari, 2012).

علاوه بر مرحله رسیدگی و صدور حکم، پیامدهای کمیت‌گرایی و تأثیر نوع و میزان مواد در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی جرائم مواد مخدر مستوجب اعدام نیز قابل ملاحظه است؛ به گونه‌ای که رویه ضابطین دادگستری و مأمورین مبارزه با مواد مخدر علاوه بر توسل به دام‌گستری از طریق انجام معاملات صوری با متهمین (Morosi Dargah & Youssefian Shoredeli, 2021)، پیشنهاد مواد مخدر به میزان بالا و وزن سنگین در معاملات مزبور (Siyavoshi, 2020)، متأثر از کمیت‌گرایی قانونگذار کیفری مواد مخدر است.

نتیجتاً در زمانی که میزان و نوع مواد مخدر معیار اصلی اعدام یا عدم صدور حکم اعدام بوده، به گونه‌ای که یک گرم بیشتر یا کمتر یا تشخیص نوع مواد می‌تواند حکم به حیات یا ممات فرد صادر نماید، عدم تحقیق موضوع از ناحیه مجریان عدالت و توجه صرف به اعلام نوع و میزان مواد اعلامی به دستگاه قضا از ناحیه مرجع انتظامی در صدور حکم امکان آسیب جدی به اجتماع و حقوق اشخاص را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

پس از اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶ و الحاق ماده ۴۵ به این قانون، تصور می‌شد صدور احکام مجازات اعدام در خصوص مرتکبین جرم موضوع این قانون کاهش یابد. قانون‌گذار ایرانی تحت تأثیر افکار عمومی جهانی نسبت به آمار بالای اعدام‌هایی که در ایران انجام می‌شد و پس از تحقیقات مختلف بدین نتیجه رسید که باید این اصلاحیه صورت پذیرد. لکن پس از گذشت قریب به ۸ سال از این اصلاحات، همچنان مجازات اعدام ناشی از ارتکاب جرایم مواد مخدر، در صدر مجازات‌های سالب حیات است. نتایج به دست آمده در این پژوهش، نشان دهنده تأیید فرضیه اولیه در خصوص رویکرد سزادهی مجرمان مواد مخدر برای حفظ امنیت جامعه و نظم عمومی به عنوان یکی از وظایف اصلی قانون‌گذاران و دستگاه قضایی کشور است. با بررسی اطلاعات انجام شده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی، عوامل مؤثر بر انتخاب مجازات اعدام توسط قانون‌گذار مشخص شد؛ اولاً در روند رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر مستوجب اعدام و همچنین مصاحبه با کنشگران این حوزه و پرونده‌های مطالعه شده نشان داد که نفوذ آموزه‌های عوام‌گرایانه و به تبع آن، اتخاذ رویکردهای احساسی و هیجانی هم در سطح عملکرد ضابطین دادگستری و هم در سطح عملکرد مقامات قضایی (اعم از دادسرا و دادگاه) قابل توجه است، لکن نسبت به دیگر مؤلفه‌های از تأثیرگذاری کمتری برخوردار است. هرچند نمی‌توان این عامل را بی‌تأثیر بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر توسط قانون‌گذار دانست. عامل مؤثر بعدی در تعیین مجازات اعدام، از نظر قانون‌گذار، برخورد حتمی و قطعی با مجرمان این حوزه بوده تا بتواند از این طریق به اهداف پیشگیری از وقوع جرم و حفظ نظم عمومی دست یابد. با این حال با توجه به مطالعات میدانی انجام شده به نظر می‌رسد، کنشگران کیفری حوزه جرایم مواد مخدر، که حلقه آخر اجرای قانون در مبارزه با جرایم مواد مخدر هستند، در این خصوص دو رویکرد متفاوت در بازدارنده بودن اعدام به عنوان یک مجازات بازدارنده دارند؛ عده‌ای از این کنشگران معتقدند تنها با اجرای اعدام و حذف مجرم از صحنه جامعه امکان حفظ نظم عمومی محقق می‌شود چرا که اصلاح این قسم بزهکاران با توجه به انگیزه آن‌ها در ارتکاب این جرایم همواره آنها را به تکرار جرم مزبور سوق می‌دهد. از طرف دیگر، مخالفان معتقدند تعیین و اجرای مجازات اعدام برای

^۱ دام‌گستری به رفتارهایی گفته می‌شود که توسط مأموران پلیس در قالب اقدامات کنشی، موجبات ترغیب و تحریک یک فرد به ارتکاب جرم و در نتیجه کسب ادله و محکوم کردن وی را فراهم می‌کند (Hay, 2003). مطابق ماده ۱۴ قانون مبارزه با مواد مخدر (اصلاحی ۱۳۸۹): «وزارت اطلاعات مکلف است ضمن جمع آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی قاچاق سازمان‌یافته‌ی مرتبط با جرائم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آن‌ها با حکم دادستان کل یا قاضی‌ای که او تعیین میکند، اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذی‌صلاح نیز اقدام نماید». در این ماده، قانونگذار، وزارت اطلاعات را موظف دانسته تا در محدوده اختیارات خود، نسبت به شناسایی شبکه‌های مواد مخدر اقدام کند، هرچند این ماده صراحتاً انجام دام‌گستری را تجویز نکرده است، اما با توجه به رویه مشابه در بسیاری از کشورها و اینکه اساساً، ساز و کار نهادهای اطلاعاتی مبتنی بر پوشش و پنهان‌کاری است، می‌توان بر اساس این ماده، حداقل در خصوص باندهای مواد مخدر، قائل به مشروعیت قانونی استفاده از دام‌گستری شد (Gholami et al., 2016).

تمامی مجرمانی که شرایط اقتصادی و اجتماعی، آن‌ها را به ارتکاب این جرایم سوق داده، کاملاً در تعارض با عدالت اسلامی که هدف غایی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران است، خواهد بود. همچنین قانون‌گذار ایرانی بالتبع الگوی آمریکایی، نوع و میزان مواد مخدر را در تعیین مجازات اعدام مؤثر می‌داند لکن به نظر می‌رسد برخورد این‌چنینی نه تنها قطعیت قانون‌گذار و دستگاه عدلیه را به مجرمان نشان نداده بلکه موجبات تحریک بیشتر اشخاصی که عموماً مالکین اصلی مواد مخدر نبوده و جزو اقشار ضعیف و پایین جامعه هستند در برخورد با نظام بیشتر می‌نموده و حتی موجب افزایش انگیزه آن‌ها در اقدامات بزهکارانه دیگر اینبار به قصد محاربه، بغی یا هر جرم دیگری با انگیزه انتقام‌جویی از حکومت را در آن‌ها ایجاد کند. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود با مطالعات بیشتری در حوزه‌های جرم‌شناسی و کیفرشناسی، قوانین کیفری این حوزه بار دیگر مورد اصلاح قرار بگیرند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Iran's geographic position, sharing borders with Afghanistan and Pakistan—the largest global producers of narcotics—has positioned it as a major transit route for illicit drugs, thereby influencing both its national security priorities and its legislative orientation toward drug-related crimes. Historical legislative developments in Iran reveal a consistent legislative belief that harsher punishments, particularly the death penalty, are more effective in deterring recidivism in narcotics offenses. Since the enactment of the 1959 law prohibiting poppy cultivation and opium use, through subsequent amendments and the comprehensive Anti-Narcotics Law of 1988, the death penalty has been embedded in Iran's legal framework for certain narcotics offenses. Even with the 2017 amendment adding Article 45—which was intended to limit the application of the death penalty—there has been no significant reduction in either the issuance or execution of such sentences. This persistence reflects entrenched legal and judicial convictions that capital punishment remains one of the most potent deterrents to the spread of drug crimes, despite global human rights criticisms and the recognition among some Iranian legal actors that excessive reliance on capital punishment may lead to unjust outcomes (Javan Jafari & Esfandiari Bahraseman, 2017; Saki & Koonani, 2019; Sanei et al., 2022).

A key driver of capital punishment policy in Iranian narcotics law is “security-oriented retributivism,” a paradigm in which national security imperatives overshadow individual rights, leading to the framing of drug offenders as existential threats to state stability (Nadjafi Abrandabadi, 2012; Sadr Touhidkhaneh, 2013; Tavajohi & Dehghani, 2013). Comparative examples from the United Kingdom during the Thatcher era and France under its 1970 narcotics law illustrate similar security-driven approaches (Gholami, 2010). In Iran, this approach is codified in provisions such as Article 9 of the 2010 amendment and Article 45 of the 2017 amendment, which classify certain drug offenses as “corruption on earth” (mofsed-e-fel-arz), thereby justifying capital punishment. Field interviews with judges and lawyers reveal that this security framing exerts a powerful influence on judicial behavior, often limiting judicial discretion and fostering a climate in which judges feel compelled to

impose the death penalty even when personally opposed to it. Procedural practices—such as restricting defense access to case files, heightened surveillance of judges in narcotics cases, and secretive execution scheduling—further reflect this securitized orientation, reinforcing the perception that drug-related offenses merit extraordinary punitive measures.

Another influential factor is “penal populism,” in which legislative and judicial policy responds to public anxieties and media narratives rather than to empirical criminological evidence (Bennet, 1998; Farajiha & Moghaddasi, 2015; Kenny & Holmes, 2020; Roberts et al., 2013; Van Swaaningen, 2005). In the Iranian context, this manifests as media amplification of drug trafficking cases, political rhetoric emphasizing harsh measures, and public framing of drug offenders as societal villains. Although interviews suggest that public opinion in Iran is less actively engaged on the death penalty for drug crimes than in cases of violent crime, the lack of vocal opposition enables the continuation of severe penalties. Police reports often contain dramatized narratives that may predispose courts toward harsher judgments, and some judicial actors interpret public silence as tacit approval of capital punishment in these cases. While penal populism’s impact appears less significant than security-based rationales, its presence in legislative and judicial attitudes remains evident, particularly in high-profile cases involving armed trafficking or large quantities of narcotics.

The deterrence rationale, focusing on the certainty and inevitability of punishment, also underpins legislative support for capital punishment in drug cases (Emigholz, 2006; Melusky & Keith, 2017; Rezvani, 2012). Proponents argue that the death penalty is essential for permanently incapacitating high-risk offenders and sending a strong deterrent message. However, empirical insights from interviews reveal deep divisions: while some judges and prosecutors maintain that only capital punishment can deter entrenched traffickers, others, along with many defense attorneys, contend that it fails to reduce drug crime rates. They note that socioeconomic pressures, lucrative trafficking profits, and familial involvement in the trade diminish the deterrent effect. Moreover, some interviewees emphasize that excessive reliance on the death penalty risks punishing low-level couriers disproportionately, often those driven by poverty, while leaving major traffickers untouched. This divergence between legislative intent and field-level perceptions underscores the complexity of assessing deterrence in this domain.

Quantity-based sentencing is another determinant in death penalty application, reflecting legislative borrowing from U.S. models in which drug weight thresholds dictate sentencing severity (Ali Mohammadi & Shadmanfar, 2018; Kenny & Holmes, 2020; Sadeghi et al., 2017). Under the 2017 amendment, thresholds for capital punishment increased—e.g., from 5 kg to 50 kg for certain drugs and from 30 g to 2–3 kg for others—but the principle that quantity alone can trigger the death penalty remains. Field data reveal critiques from defense attorneys and defendants who argue that this approach ignores culpability levels, ownership, or awareness of the narcotics, and may enable manipulation of purity tests. Judges, however, defend quantity-based criteria as necessary for consistent application, citing the prevalence of false claims by defendants. The rigid threshold system produces cases in which marginal weight differences determine life-or-death outcomes, fueling perceptions of arbitrariness and injustice, especially when defendants claim ignorance of the drug type or amount.

These interlocking contexts—security-oriented retributivism, penal populism, deterrence logic, and quantity-based sentencing—together shape Iran’s persistent use of the death penalty in drug-related cases. While security concerns provide the most robust and enduring justification, penal populism and deterrence arguments reinforce the policy, and the quantitative threshold system operationalizes it in practice. Field evidence suggests that despite formal legislative adjustments

aimed at narrowing death penalty eligibility, structural and attitudinal factors within the legislative and judicial systems perpetuate its broad application. This reality has significant implications for human rights, judicial fairness, and Iran's international standing. It also raises critical questions about whether capital punishment, as currently applied, effectively addresses the underlying drivers of drug crime or merely entrenches punitive traditions without measurable benefits in deterrence or public safety.

In conclusion, the study demonstrates that Iran's legislative and judicial persistence in applying the death penalty for certain drug offenses is the product of multiple reinforcing factors, with security imperatives and retributive philosophies at the core, augmented by elements of penal populism, deterrence-based reasoning, and quantity-driven statutory design. Field interviews and case analyses reveal that this framework frequently leads to disproportionate punishment of low-level offenders, procedural limitations on defense rights, and questionable deterrent outcomes, underscoring the need for legislative reconsideration and the exploration of alternative sanctions that align with both domestic justice goals and international human rights obligations.

References

- Ali Mohammadi, A., & Shadmanfar, M. R. (2018). Legal-Criminological Analysis of Penal Inefficiency of Execution in Drug Crimes and Other Penal Crimes and Determining Alternative Punishments. *Social Science Quarterly*, 11.
- Bennet, W. (1998). Restoring Authority. *New perspectives Quarterly*.
- Borhani, M. (2015). Ifsad fi al-Arth: Conceptual Ambiguity, Practical Repercussion (Evaluation of Islamic Criminal Law Article 286). *Biannual study of criminal law and criminology*, 2&3(2).
- Emigholz, C. (2006). Utilitarianism, Retributivism and the White Collar-Drug Crime Sentencing Disparity: Toward a Unified Theory of Enforcement. *Rutgers Law Review*, 2(58).
- Farajiha, M., & Moghaddasi, M. B. (2015). Populism Manifestations in Penal Policies of Drug. *Legal Research Quarterly*, 68(17).
- Fathi, H. A. (2014). *Detailed Description of the Islamic Penal Code* (Vol. 2). Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute.
- Gholami, H. (2010). Crime or War? A Criminological Reflection on the Concept of Moharebe. In *A Collection of Articles Commemorating Professor Dr. Abulqasem Gurji* (Vol. 2). Association of Cultural Works and Honors.
- Gholami, N. A., Moazenzadegan, H. A., & Heydari, E. (2016). Active Approach in the Preliminary Research Process; Basics and Effects with a Comparative Approach in Iranian, French and American Law. *The Quarterly Journal of Police Knowledge*, 4(18).
- Haddadzadeh, M., Habibzadeh, M., & Faragiha, M. (2020). Challenges to the Effectiveness of the Execution Penalty for Drug Offenses in the Light of the Theories of the Economic Analysis of Crime. *Criminal Law Research Quarterly*, 31(8).
- Hay, B. L. (2003). Sting operations, undercover agents and entrapment. *Undercover Agents and Entrapment*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.469960>
- Hossein Pouri, M., Nosrati, Y., & Rezaei Fard, S. (2023). Iran's Criminal Policy Regarding Drug Crimes in the Addendum of Article 45 with a View to the 1988 Convention. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(3).
- Human Rights Council. (2013). A/HRC/22/L.18. Panel on the Human Rights of Children of Parents Sentenced to the Death Penalty or Executed. In Geneva, Switzerland: Human Rights Council.
- Javan Jafari, A., & Esfandiari Bahraseman, M. S. (2017). Sociological approach on the changes of the death penalty to Drug Criminals. *Criminal Law Research Quarterly*, 25(7).
- Kenny, P. D., & Holmes, R. (2020). A New Penal Populism? Rodrigo Duterte, Public Opinion, and the War on Drugs in the Philippines. *Journal of East Asian Studies*, 2(20). <https://doi.org/10.1017/jea.2020.8>
- Laqueur, H., Rushin, S., & Simon, J. (2014). Wrongful Convictions, Policing, and the "Wars on Crime and Drugs", Examining Wrongful Convictions: Stepping Back and Moving Forward. In *University of Alabama School of Law Legal Research Paper Series*.
- Leechaianan, Y., & Longmire, D. R. (2013). The Use of the Death Penalty for Drug Trafficking in the United States, Singapore, Malaysia, Indonesia and Thailand: A comparative legal analysis. *Laws*, 2(2). <https://doi.org/10.3390/laws2020115>
- Mahdavi, M., Sadati, S. M. M., & Hosseini, S. M. (2017). Criminalization Principles of Economic Crimes in Shia Jurisprudence. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 8(4).

- Melusky, J. A., & Keith, A. P. (2017). *Capital Punishment*. Greenwood press.
- Morosi Dargah, M., & Youssefian Shoredeli, B. (2021). Strengthen the Rule of Law by Refuting Investigations and Removing Evidence. *Criminal Law Research*, 24(12).
- Nadjafi Abrandabadi, A. H. (2012). About Security Studies (from the Right to Security to the Right to Security). In *Human-Oriented Crime Risk Management*. Mizan Publication.
- Pinto, S. (2015). Is the Death Penalty the Answer to Drug Crime? In: Amnesty International.
- Rezvani, S. (2012). *Human-Oriented Crime Risk Management*. Mizan Publication.
- Roberts, J., Stalans, L., Indermaur, D., & Hough, M. (2013). *Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries*. Mizan Publication.
- Sadeghi, A., Farajiha, M., Habibzade, M., & Omid, J. (2017). Comparative Study of the Consequences of Sentencing in Drug Crimes Based on the Quantity of Drugs in the Legislative System of Iran and the United States of America. *Comparative Law Research Quarterly*, 1(21).
- Sadr Touhidkhaneh, M. (2013). Laws in the Core of the Enemy, from the American Policy of the War on Terror to the German Theory of the Criminal Law of the Enemies, in the News of Criminal Sciences. In *Criminal Science Updates*. Mizan Publication.
- Saki, M., & Koonani, S. (2019). Eliminating the Death Penalty from Drug Crimes: Requirements and Prohibitions. *Judicial Law Views Quarterly*, 87(24).
- Salarzaei, A., & Afroushteh, J. (2019). Analyzing the Segregation between Declaring War against God and Corruption on the Earth in Islamic Revolution of Iran's Penal with Emphasis on Islamic Penal Code (2012). *The Iranian Journal of Islamic Law, Jurisprudence and Methodology*, 1(5).
- Sanei, S., Hosseini, S. H., & Seidzadeh Sani, S. M. (2022). Reference of Amendment Article 45 of Anti-narcotics Law to Criminal Jurisprudence: Restriction or Development of Strict Criminal Policy. *Jurisprudence and Islamic Law*, 27(13).
- Shamlou, B. (2007). Interview in the Criminological Explanation of Economic Delinquency and its Preventive Solutions. *Newsletter of the Iranian Society of Criminology*(5&6).
- Siyavoshi, S. (2020). Scaling Up in Drug Crimes. *Voting Quarterly: Studies of Judicial Opinions*, 30(9).
- Tavajohi, A., & Dehghani, A. (2013). The Conflict between Security-Oriented Approach and Fair Trial Rules. *Criminal Law Research Quarterly*, 3(1).
- Van Swaaningen, R. (2005). Public safety and the management of fear. *Theoretical Criminology*, 3(9). <https://doi.org/10.1177/1362480605054812>
- Zara't, A., & Safari, M. (2012). The Necessity of Determining Purity Levels of Drugs in Judging Drug Abuse Cases. *Private Law Studies Quarterly*, 3(42).